

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری و عوامل فراز و فرود

فرقه دموکرات آذربایجان و پیامدهای آن

منصور پورمؤذن

پرچم ایران همیشه در اهتزاز خواهد بود

شمال غربی ایران شاهراه اصلی عبور به اروپای غربی و یکی از دروازه‌های مهم تحولات سیاسی اجتماعی در تاریخ ایران است. ساکنان این منطقه که به زبان آذری صحبت می‌کنند به خاطر حس وطن دوستی، تعلقات پاک مذهبی و روح آزادی و آزادگی احساس مشترکی با سایر ساکنان و مردم ایران دارند.

در همه ادوار تاریخی مردم این منطقه نشان دادند که هویت ملی برای آنها از هویت‌های قومی، منطقه‌ای و حتی مذهبی به مراتب و مهم‌تر است. مقاومت مردم آذربایجان در مقابل تهاجم بیگانگان به سرزمین ما در چهارصد سال اخیر زبانزد خاص و عام و بخش باشکوه تاریخ ایران است. دفاع در مقابل تهاجمات

عثمانی‌ها، مقابله با تجاوزات روس‌ها به تمامیت ارضی ایران که متأسفانه در نهایت به جداسازی بخشی از شمال غرب ایران منجر شد و از همه مهم‌تر ایستادگی در مقابل خودکامگان حکومتی، بخشی از تاریخ این منطقه است.

اهمیت مرزهای شمال غربی ایران برای نظام‌های حکومتی و نقش این منطقه در تمامیت ارضی، هویت ملی و استقلال کشور تا بدان حد است که آذربایجان همیشه به عنوان پایتخت دوم که محل نشو و نمای ولیعهد ایران بوده اهمیت استراتژیک داشته باشد.

دولت صفویه به عنوان اولین دولت ملی در ایران ابتدا در همین منطقه نشو و نما کرد و به قدرت رسید. تبریز، ارومیه و اردبیل همیشه پایگاه‌های مهم در تحولات دوران معاصر ایران بوده‌اند. حساسیت استراتژیک این منطقه در طول تاریخ دلیل طمع دشمنان ایران به آذربایجان و تلاش برای جداسازی آن از بیکره ایران عزیز بود. آذربایجان بارها مورد تجاوز بیگانگان قرار گرفت در میان این تجاوزات وضعیت خونین و پرمخاطره غائله آذربایجان در سال ۱۳۲۴ش و حضور احزاب و فرقه‌های تجزیه طلبی چون حزب توده و فرقه دموکرات در آذربایجان داستان عجیبی دارد.

این حقیقت دارد که در تاریخ هیچ ملتی اگر عناصر خودفروخته و خائن در داخل به صورت عامل دشمن تجاوزکار عمل نکنند و شرایط را برای سلطه بیگانگان فراهم نسازند هیچ دشمنی جرأت و جسارت تجاوز به خاک هیچ ملتی را به خود راه نخواهد داد.

اشغال یک ساله خاک آذربایجان توسط روس‌ها که به کمک حزب توده و حزب دموکرات انجام گرفت بخشی از یک پروژه وسیع برای تجزیه مناطق غربی و شمال غربی ایران (آذربایجان، کردستان و...) بود که به دست احزاب خودفروخته به ظاهر دموکرات و آزادیخواه وابسته به استکبار جهانی صورت گرفت. این احزاب در تاریخ دو بیست ساله ایران معاصر همیشه ستون پنجم دشمن و نوکران بی‌جیره و مواجب متجاوزین به تمامیت ارضی و استقلال کشور عمل کرده و فایده‌ای برای ملت ایران نداشتند.

به دلیل تنوع فرهنگی، مذهبی و قومی در ایران همیشه دشمنان این کشور دندان طمع برای ایجاد تفرقه، از بین بردن وحدت ملی و انسجام اسلامی را در سر می‌پروراندند. ایران هنوز درگیر توطئه‌های چنین دشمنانی است. دامن زدن به اختلافات مذهبی، قومی و فرهنگی و عمیق نشان دادن این اختلافات مهم‌ترین ابزاری است که هنوز استعداد لازم را برای به خطر انداختن تمامیت ارضی و استقلال ملی دارد. ملت ایران بی‌تردید هوشیار است و فریب این حقه‌های کهنه و پوسیده را نخواهد خورد.

خیانت احزاب وابسته به بیگانگان در جریان اشغال آذربایجان و تلاش برای جداسازی این منطقه حیاتی

و تجزیه ناپذیر از خاک ایران از یک طرف و انتقامی که ملت ایران از احزاب مزدور دموکرات و توده در بازپس‌گیری آذربایجان و رفع غائله جریان پیشه‌وری در این منطقه گرفت از طرف دیگر، درس عبرتی برای تاریخ معاصر است تا دشمنان این مرز و بوم بدانند ملت ایران در هیچ نقطه‌ای از سرزمین مقدس خود تجاوز به میهن و جداسازی حتی یک وجب از خاک این مرز و بوم را تحمل نخواهد کرد، همان‌طوری که در همه ادوار تاریخی نیز نشان داده است در مقابل هر تجاوزی به خاک ایران و هر اندیشه تجزیه طلبانه‌ای خواهد ایستاد و جزای دشمنان ایران را کف دست آنها خواهد گذاشت. همان‌طوری که به متجاوزین روس و انگلیس در دوران قاجاریه و پهلوی نشان داد و همان‌طوری که به سزای تجاوز رژیم بعثی عراق و مزدوران امریکایی را کف دست آنها گذاشت.

اکنون همه تجاوزگران به این مرز و بوم از صفحه روزگار محو شده‌اند اما ملت ایران زنده است و زنده خواهد بود و پرچم ایران همیشه در اهتزاز خواهد بود.

بازشناسی نتایج این تجاوزات بخشی از عبرت‌های تاریخی دوران معاصر است که نسل‌های آینده نباید از آن غفلت کنند. رفع خطر از آذربایجان و سرکوبی احزاب مزدور دموکرات در این منطقه و منطقه کردستان که همیشه سودای تجزیه بخشی از خاک ایران را در سر داشته و به صورت ابزار دست متجاوزان عمل کردند باید به عنوان یک روز ملی در حافظه تاریخی این مرز و بوم باقی بماند تا عبرتی برای همه متجاوزان و نوکران داخلی آنها باشد.



◆ مقدمه

تاریخ، سرگذشت و هویت یک ملت است و به مثابه پلی است که حال را به گذشته ارتباط می‌دهد. تاریخ سبب انتقال رویدادها و وقایع گذشته، پیروزی‌ها و شکست‌ها به نسل آینده می‌شود. با عنایت به اینکه همواره بیگانگان در تلاش برای تحریف و بیگانه نمودن نسل حاضر نسبت به گذشته و رویدادهای آن بوده‌اند، وظیفه خطیر محققان و تاریخ‌پژوهان نسبت به تحلیل رویدادها و جلوگیری از تحریف و تهی کردن آنها بسیار مهم است.

یکی از رویدادها و خاطرات تلخ ملت ایران غائله آذربایجان در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی و حضور عوامل تجزیه طلب حزب توده و فرقه دموکرات در آذربایجان می باشد.

این رویداد با متجاوزان روسی در ارتباط بود و از سوی آنان حمایت می شد و به طور پنهانی نیز مورد پشتیبانی پنهانی روباه پیر و حيله گر انگلیس قرار گرفته بود. دولت های استعماری روس و انگلیس در زمینه جداسازی آذربایجان و کردستان از ایران حساب همه چیز را کرده بودند به جز مشیت الهی و نقش مرجعیت شیعه و روحانیان مبارز.

دولت های استعماری روس و انگلیس در زمینه جداسازی آذربایجان و کردستان از ایران حساب همه چیز را کرده بودند به جز مشیت الهی و نقش مرجعیت شیعه و روحانیان مبارز.

آیت الله حاج شیخ حسین لنکرانی و آیت الله ثقه الاسلامی در تبریز و نیروهای وطن دوست. جوششی که از وحدت ملی ایرانیان تحت لوای اسلام و پیروی از مرجعیت شیعه برخاست نقشه شوم غارتگران بین المللی را عقیم گذاشت. در این مقاله سعی گردیده است که به بررسی زمینه ها و علل ظهور فرقه دموکرات آذربایجان، نقش روس ها در استقرار آن و علل شکست و ناکامی آنها پرداخته شود.

◆ علل و زمینه های تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان

آذربایجان که همواره چشم و چراغ ایران نامیده می شود، دارای گذشته ای درخشان در پاسداری از استقلال و حفظ تمامیت ارضی ایران در طول تاریخ بوده است. آذربایجان که در جریان انقلاب مشروطیت سنگر آزادیخواهان بود هرگز تسلیم دشمنان این مرز و بوم نگردید و در سایه جانفشانی های رادمردانی چون ستارخان و باقرخان و...

مشروطیت را که از ایران رخت بر بسته بود دوباره به آن بازگردانید. متأسفانه پس از انقلاب مشروطیت ثمره انقلاب در خدمت عمال ارتجاع و استبداد درآمد.

آذربایجان تاوان فداکاری‌های خود را در استقرار مشروطیت پس می‌داد. دولت‌های سرسپرده و رجال درباری فاسد که دوباره به مسند قدرت بازگشته بودند با تکیه به قدرت دولتی حقوق و آزادی ملت ایران به ویژه مردم ستمدیده آذربایجان را لگدمال می‌کردند. آذربایجان زیر بار مالیات‌های تحمیلی به خرابه‌ای تبدیل شده بود. اقدامات و طرز تفکر

مستوفی، استاندار آذربایجان، در برخورد با مشکلات به ویژه بحران نان در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی و دیدگاه وی نسبت به مردم آذربایجان سبب نارضایتی شدید مردم از دولت مرکزی گردید.

بعد از سقوط رضاخان آزادیخواهان تبریزی جمعیتی بنام جمعیت آذربایجان تشکیل دادند و در تاریخ ۱۳۲۰/۷/۳۰ روزنامه آذربایجان را جهت نشر افکار خود با مدیریت علی شبستری و سردبیری اسماعیل شمس منتشر

آذربایجان که در جریان انقلاب مشروطیت سنگر آزادیخواهان بود هرگز تسلیم دشمنان این مرز و بوم نگردید و در سایه جانفشانی‌های رادمردانی چون ستارخان و باقرخان و... مشروطیت را که از ایران رخت بر بسته بود دوباره به آن بازگردانید.

ساختند. این جمعیت بعد از شش ماه فعالیت در اثر فشار روزافزون دولت تعطیل گردید.^۱ در فروردین‌ماه سال ۱۳۲۱ کمیته ایالتی حزب توده ایران در تبریز شروع به فعالیت کرد و فعالیت‌ها و تبلیغات خود را در آذربایجان گسترش داد. روز دهم آذرماه ۱۳۲۳، ده شهر آذربایجان شاهد برگزاری میتینگ‌هایی جهت تبلیغ اهداف حزب توده بود.

۱. یونس مروارید، *مراغه «افرازه رود»*، تهران، علمی، ۱۳۷۲، ص ۸۶.

◆ علل خارجی و سیاست جهانی شوروی در سال ۱۳۲۴

آذربایجان و منطقه شمال از دیر باز مورد علاقه دولت همسایه شمالی، شوروی بود و همواره درصدد انفصال این منطقه زرخیز از ایران و الحاق آن به خود بودند از این رو دولت شوروی دستجات مسلح و احزاب افراطی در منطقه ایجاد نمود و با تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و قیام مسلحانه سبب قطع رابطه آذربایجان با دولت مرکزی گردید.^۱

شاید بتوان گفت که جنگ سرد در حقیقت در ۱۵ اسفندماه ۱۳۲۴ شروع گردید در آن روز پانزده تیپ مسلح شوروی وارد آذربایجان شدند و سپس رو به سرحدات ترکیه و عراق نهادند

و به طرف قسمت مرکزی ایران پیش

رفتند. مقارن این احوال گروهی از

سربازان شوروی، تقریباً به همین تعداد

بطرف بلغارستان حرکت کرده و در

سرحدات ترکیه و اروپا آرایش گرفتند.

این گسترش قوا توأم با شعارهای

تبلیغاتی در آنکارا و تهران و همچنین به

همراه پیشرفت‌هایی از طرف کمونیست‌ها

در صفحات شمالی یونان و آذربایجان و

کردستان ایران انجام گردید.

تهاجم شوروی‌ها در دو مرحله متمایز

انجام گرفت. ظاهراً چنین به نظر می‌رسد

که هدف اصلی اولین تهاجم، ایجاد تحول

آذربایجان و منطقه شمال از دیر باز
مورد علاقه دولت همسایه شمالی،
شوروی بود و همواره درصدد انفصال
این منطقه زرخیز از ایران و الحاق
آن به خود بودند از این رو دولت
شوروی دستجات مسلح و احزاب
افراطی در منطقه ایجاد نمود و با
تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و
قیام مسلحانه سبب قطع رابطه
آذربایجان با دولت مرکزی گردید.

در ترکیه بوده است و بعد از آن البته می‌توانستند به نواحی شرقی مدیترانه، سوئز و مناطق نفت‌خیز خلیج فارس دست یابند و نواحی غربی هند را تصرف کنند. ولی وقتی این نقشه‌ها پیشرفت حاصل نکرد شوروی‌ها فوراً نقشه استراتژیکی خود را تغییر دادند و این تغییر نقشه، مقارن احوالی بود که حمله جدیدی به ایران - که هدف اصلی آنها بود - نمودند. از آنجایی که شوروی‌ها عامل اصلی حمله به آذربایجان در هر دو مرحله مذکور بودند آنها آذربایجان را به عنوان مرکز فعالیت‌های حزبی خود انتخاب کردند.^۱

◆ علل داخلی تشکیل فرقه دموکرات

۱. وضعیت بحرانی کشور از لحاظ اقتصادی، وجود بیکاری گسترده در جامعه، فقر فرهنگی و بهداشتی و نارضایتی مردم از رژیم خودکامه پهلوی، نبود امنیت مالی و جانی، کمیابی خواربار و ارزاق عمومی، بروز قحطی و شیوع امراض مسری و سوء استفاده بیگانگان نسبت به این امر.
۲. ورود عده زیادی از مهاجران قفقازی به آذربایجان و تبلیغ مرام حزب توده بین دهقانان و زحمتکشان و برانگیختن آنان علیه مالکان و ثروتمندان.
۳. انتشار اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس بین مردم از سوی ایادی خارجی و داخلی از بی‌توجهی دولت به حال مردم.
۴. آشفتگی اوضاع تهران و آمدن و رفتن کابینه‌های متعدد بدون اینکه قادر باشند کاری به نفع توده مردم انجام دهند.
۵. خودخواهی و اغراض وکلای آذربایجان در دهه چهاردهم مجلس شورای ملی باعث شد در آن لحظات حساس آذربایجان چند ماه بدون سرپرست بماند و دولت صدرا لاشراف نتوانست موافقت نمایندگان را جهت اعزام یک استاندار به آذربایجان جلب نماید.

۱. رابرت رُسو، «جنگ آذربایجان - ۱۳۲۵»، مجله خاورمیانه، ص ۱.

۶. تعدیات برخی مأموران امنیه و ژاندارمری در دهات که شایعه‌سازان مغرض این اخبار را با شاخ و برگ بین دهقانان منتشر می‌نمودند و آنها را نسبت به همه مأموران دولت بدبین می‌کردند.



سید جعفر پیشه‌وری

۷. آماده بودن محیط مناسب برای افراد خائن و مهاجران بی‌وطن در تحت حمایت ارتش اشغال‌گر و عدم امکان هر گونه مقاومت از طرف میهن پرستان آذربایجانی. اینان با زحمت زیاد خود را از مهلکه خلاص کردند و راه تهران را پیش گرفتند و این درست آن چیزی بود که خائنان و متجاوزان می‌خواستند.

۸. به این شرایط باید اشتباه نمایندگان مجلس چهاردهم در رد اعتبارنامه سید جعفر پیشه‌وری نماینده انتخابی آذربایجان در

مجلس شورای ملی را نیز اضافه کرد. این مرد تیرخورده و شکست‌یافته که اعتبارنامه‌اش در مجلس شورا رد و روزنامه‌اش توقیف شده بود پس از مراجعه به تبریز کاری جز یاغی‌گری و اجرای نقشه‌های خود انجام نداد.^۱

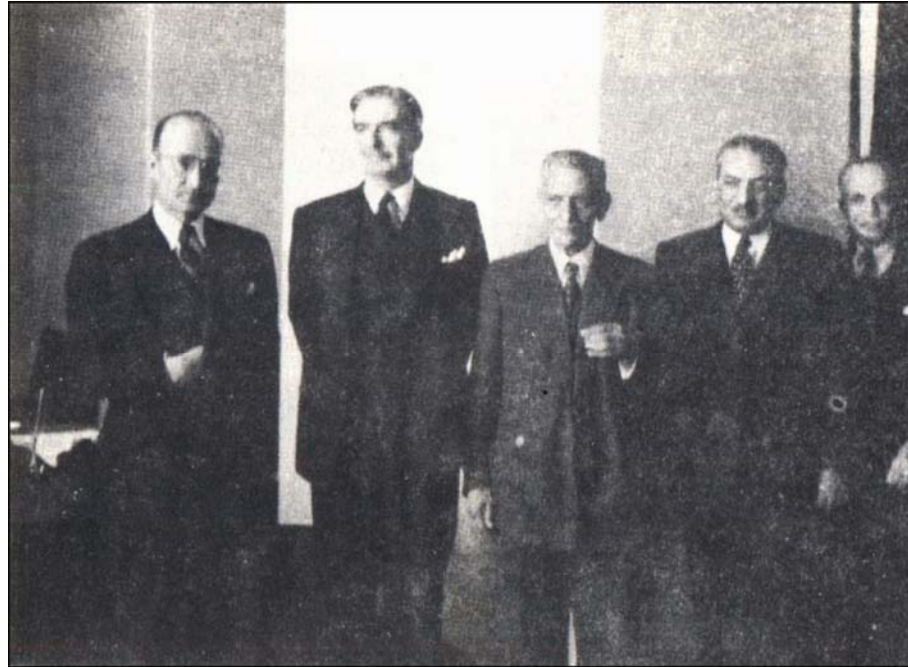
◆ خلاصه‌ای از اوضاع سیاسی ایران قبل از تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان

(اوت ۱۹۴۵)

ورود ارتش سرخ به ایران (سپتامبر ۱۹۴۱) به دیکتاتوری بیست‌ساله رضاخان خاتمه داد و

۱. یونس مروارید، همان، ص ۸۵۴.

دوران جدیدی در تاریخ ایران آغاز گردید. سقوط رضاشاه پیمان اتحاد بین ایران، اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان (۲۹ ژانویه ۱۹۴۲) و شکست نیروهای فاشیستی در استالینگراد و دیگر جبهه‌های دیگر جنگ تأثیر بسزایی در اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران بر جای گذاشت.



نفر سوم حکیم الملک و در کنار او ایدن وزیر امور خارجه انگلستان.

رفتار دوستانه ارتش سرخ در ابتدای ورود به ایران و ارسال گندم، قند، پارچه، دارو و سایر موارد ضروری باعث شد آثار تبلیغات ضد شوروی که حکومت دیکتاتوری رضاشاه به راه انداخته بود، از بین رفت و نطق استالین در ششم نوامبر ۱۹۴۱ مبنی بر احترام به تمامیت ارضی ایران و اعلامیه کنفرانس تهران (اول دسامبر ۱۹۴۳) دایر به کمک اقتصادی و همچنین حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران این امر را تقویت نمود. در نتیجه سقوط حکومت دیکتاتوری و به وجود آمدن جو نسبتاً آزاد سیاسی در اکتبر سال ۱۹۴۱ حزب توده ایران شکل گرفت و در اول اوت ۱۹۴۴ نخستین کنگره حزب توده تشکیل گردید. در این زمان

اعضای حزب توده بالغ بر ۲۵ هزار نفر بود.

این حزب برای نخستین بار توانست ۸ تن نماینده به مجلس شورای ملی بفرستد. در پایان سال ۱۹۴۲ دولت امریکا به بهانه تأمین حمل و نقل مهمات به اتحاد جماهیر شوروی بدون هیچ گونه قراردادی با دولت ایران، نیروهای خود را به خاک کشور وارد کرد و قسمتی از جنوب کشور را اشغال نمود و تحت شرایط خاص زمان جنگ به مقدار وسیعی موقعیت خود را در ایران بسط داد.

قرارداد بازرگانی که بین ایران و امریکا در ۸ آوریل ۱۹۴۳ در واشنگتن به امضا رسید موجب شد ظرف مدت کوتاهی امریکا مقام دوم را در تجارت خارجی احراز نماید (در سال ۱۹۴۴ - ۱۹۴۵ بیش از ۲۳/۳٪ تجارت خارجی ایران از امریکا بود). نیروهای امریکایی بنادر جنوب ایران و همچنین قسمت جنوبی راه آهن ایران را اشغال کردند و در تهران و شهرهای دیگر ایران نیروهای نظامی خود را مستقر نمودند. مستشاران لشگری و کشوری امریکا کم‌کم به کلیه امور اقتصادی و نظامی ایران مسلط می‌شدند.

در دسامبر ۱۹۴۲ حکومت قوام دکتر میلیسپو را به سمت ریاست کل دارایی ایران منصوب نمود و بنابر موافقتی که با دولت امریکا نموده بود از ۲۱ مارس ۱۹۴۳، ژنرال ریدلی در وزارت جنگ ایران به عنوان مستشار نظامی دولت ایران مستقر گردید و ریاست کل ژاندارمری به ژنرال شوارتسکف (رئیس سابق پلیس ایالت نیوجرسی) محول شد. در سال ۱۹۴۴ هنگامی که مذاکرات و موافقت محرمانه دولت ایران با کمپانی‌های نفتی انگلیسی و امریکایی (رویال و اج، استاندارد اویل و سینکسر) به منظور واگذاری امتیاز استخراج نفت در بلوچستان ایران آشکار شد، حزب توده ایران یک جنگ شدید تبلیغاتی علیه واگذاری امتیاز نفت به امریکا و انگلستان آغاز نمود و نیز هیأتی از سوی دولت اتحاد جماهیر شوروی به ریاست کافتار ادزه در سپتامبر ۱۹۴۴ وارد تهران شد و تقاضای امتیاز نفت شمال را کرد.

در این مقطع نمایش‌هایی از طرف حزب توده در تهران و سایر شهرهای مهم ایران در جهت حمایت از درخواست‌های هیأت شوروی اجرا گردید.



پرچم فرقه دموکرات آذربایجان

◆ تزهایی درباره تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان

۱. تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان (اوت ۱۹۴۵) و تأسیس حکومت خودمختاری در آن سامان (نوامبر ۱۹۴۵) که متعاقب تقاضای امتیاز نفت نواحی شمال (سپتامبر ۱۹۴۴) و توأم با امتناع دولت شوروی از تخلیه نیروهای خود از ایران در مدت مقرر در پیمان ۱۹۴۲ انجام گرفت، در محبوبیت و وجهه اتحاد جماهیر شوروی در بین مردم ایران تأثیری بسیار منفی داشت.
۲. حوادث سه گانه فوق حزب توده ایران را که مدافع صمیمی سیاست‌های دولت شوروی در ایران بود در نزد مردم به حزبی منفور و سرسپرده مبدل نمود.
۳. جنبش آذربایجان با برخی شعارهای غیر واقعی، محدود و چپ روانه و همچنین اسلوب‌های غلطی که در رهبری جنبش به کار برده شد، مجموع جریان را به صورت اشتباه مهم سیاسی تبدیل نمود.

۴. فرقه دموکرات آذربایجان منحصر با کادرهایی که حزب توده ایران پرورش داده بود و با افرادی که عضو حزب توده ایران بودند امکان تشکیل یافت و این خود بی‌محتوی بودن تشکیل فرقه مزبور را نشان می‌دهد.

۵. شعار خودمختاری آذربایجان و تأسیس حکومت جداگانه در آن سامان به هیچ وجه با تمایلات واقعی مردم آذربایجان انطباق نداشت و لزوم آن برای اکثریت مردم ایران قابل درک نبود.



شعار خودمختاری آذربایجان و تأسیس حکومت جداگانه در آن سامان به هیچ وجه با تمایلات واقعی مردم آذربایجان انطباق نداشت و لزوم آن برای اکثریت مردم ایران قابل درک نبود.



۶. حمایت آشکار ارتش سرخ، مداخله مأمورین رسمی شوروی در پشتیبانی از فرقه دموکرات و حکومت خودمختار آذربایجان و مداخله مأمورین رسمی دولت شوروی در امور فرقه و حکومت دموکرات آذربایجان توأم با تظاهرات نادرست برخی رهبران فرقه دموکرات مبنی بر اتکا به نیروهای شوروی.

۷. حکومت آذربایجان خود به تنهایی

قادر به حفظ مواضع خویش در مقابل نیروهای دولتی نبود. به همین سبب، قیام آذربایجان با حمایت آشکار ارتش سرخ و مداخله مستقیم مأمورین رسمی دولت شوروی انجام شد و این خود بیش از پیش جنبه‌های غیر واقعی قیام آذربایجان را آشکار ساخت.^۱

◆ تشکیل فرقه دموکرات

هم‌زمان با مراجعه کافتار ادزه به روسیه و عصبانیت استالین از عدم موفقیت وی در امر

۱. ایرج اسکندری، *خاطرات*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۲، ص ۵۶۱ - ۵۶۴.

امتیاز نفت شمال ایران به تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۴۵، از جبهه جنگ روسیه و آلمان به استالین اطلاع دادند که هیتلر پیشوای مقتدر آلمان نازی در پناهگاهش خودکشی کرده است. استالین با شنیدن این خبر نفس راحتی کشید و دیگر منتظر خاتمه جنگ نشد بلکه تمام هم خود را به موضوع نفت شمال ایران متوجه کرد و تصمیم گرفت دولت پهلوی را که به نظر او گستاخانه فرستاده او را از تهران دست خالی برگردانده بود گوشمالی دهد. در نتیجه غائله آذربایجان طرح شد. در این راستا میر جعفر باقراوف دیکتاتور آذربایجان شمالی را به کاخ کرملین خواست و با وی در جهت اتخاذ تصمیم مشترک در مورد ایران و چگونگی اجرای آن مذاکره کرد و سرانجام نطفه فرقه دموکرات در آنجا بسته شد.^۱



پیشه‌وری و دختر ستارخان

در چنین شرایطی موضوع تشکیل حزب مستقلی به نام دموکرات آذربایجان تحت رهبری سید جعفر پیشه‌وری پیش کشیده می‌شود. سید جعفر پیشه‌وری که به مناسبت رفتار غیر تشکیلاتی خود و به مناسبت تخلف از خط مشی حزب به موجب تصمیم کنگره اول از حزب توده ایران اخراج شده بود. از دوران قبل از حکومت مساوات در آذربایجان شوروی با میر

۱. ابراهیم ناصحی، غائله آذربایجان در گذرگاه تاریخ، تبریز، ستوده، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰.

جعفر باقراوف دوستی بسیار نزدیکی داشت و به همین سبب در زمان اقامت خود در تبریز و فعالیت انتخابی برای نمایندگی مجلس در دوره چهاردهم امکان یافت به وسیله آتاکشی اوف، میرزا ابراهیموف و حسن‌ف که در آن زمان در تبریز بودند از نو رابطه خود را با میر جعفر باقراوف برقرار نماید.^۱

◆ علل انتخاب پیشه‌وری به رهبری حزب از سوی باقراوف

حکومت آذربایجان خود به تنهایی قادر به حفظ مواضع خویش در مقابل نیروهای دولتی نبود. به همین سبب، قیام آذربایجان با حمایت آشکار ارتش سرخ و مداخله مستقیم مأمورین رسمی دولت شوروی انجام شد و این خود بیش از پیش جنبه‌های غیر واقعی قیام آذربایجان را آشکار ساخت.

۱. اهل محل بودن و از نظر تحصیلات «فارغ التحصیل بودن از دانشگاه کوتومسکو».
۲. سابقه بیش از ده سال بازداشت در دوران دیکتاتوری رضاخان.
۳. ناراضی بودن از رد شدن اعتبارنامه نمایندگی‌اش از مجلس چهاردهم.
۴. صاحب قلم و نویسنده و صاحب امتیاز روزنامه‌هایی چون عدالت و آژیر.
۵. داشتن موقعیت اجتماعی در میان مردم.
۶. علاقه‌مند بودن به مبارزه با حکومت مرکزی^۲

ابراهیم نوروزاف که از سوی کاگ ب در پوشش خبرنگار نظامی در شهریور ماه ۱۳۲۰ به همراه ارتش سرخ به ایران فرستاده شده بود و در حقیقت رابطه اصلی محور مسکو، باکو، تبریز، تهران بوده است در خاطرات خود در مورد انتخاب پیشه‌وری به رهبری فرقه دموکرات

۱. ایرج اسکندری، همان، ص ۵۶۶.

۲. ابراهیم ناصحی، همان، ص ۱۱۱.

می‌نویسد:

پیشه‌وری با رهبری فرقه دموکرات موافق نبود. در سال ۱۳۲۳ در جلغای شوروی در داخل قطار ملاقاتی بین میر جعفر باقراوف و سید جعفر پیشه‌وری صورت گرفت. در آنجا بود که باقراوف رهبری فرقه دموکرات آذربایجان ایران را به پیشه‌وری پیشنهاد نمود اما او موافقت نمی‌کرد. میر جعفر باقراوف خطاب به پیشه‌وری گفت:

دیگر از تاریخچه حزب عدالت نوشتن کافی است تا فرصت هست با ما همگام شو. پیشه‌وری در پاسخ به باقراوف می‌گوید این روس‌ها که امروز به منظور پیشبرد اهداف سیاسی‌شان ما را به بازی می‌گیرند آدم‌های مورد اطمینان نیستند. آنها در صورت لزوم به ما کمکی نمی‌کنند و ما را در میدان مبارزه تنها می‌گذارند. محبت روس‌ها به محبت میمون شباهت دارد که هنگام غرق شدن در آب پا روی بچه‌اش می‌گذارد من آنها را خوب می‌شناسم، سرانجام پس از گفتگوی زیاد، پیشه‌وری با دادن اطمینان به باقراوف با پیشنهاد آنها موافقت کرد.

پیشه‌وری در اواسط مرداد ماه روزنامه آژیر را به دوستانش کریم کشاورز و فریدون ابراهیمی در تهران سپرد و به تبریز رفت.^۱

پیشه‌وری برای اغفال افکار عامه در تشکیل حزب دموکرات حمله شدیدی به حزب توده کرد و آن را حزب طبقاتی خواند چرا که می‌خواست با این مانور از انزجار و نفرت عمومی از حزب توده حداکثر سیاسی را ببرد. عده‌ای که سال‌ها بود از نفوذ و مداخله حزب توده به تنگ آمده بودند به امید برچیده شدن این دکان سیاسی و احتمالاً کوتاه کردن دست افراد کثیف و جانی وابسته به کمونیسم و اوپاش و مهاجران و افراد مشکوک از تشکیل حزب دموکرات استقبال کردند و اولین اعلامیه از تبریز به امضای ۴۶ نفر، از رضائیه ۱۷ نفر، از خوی ۱۴ نفر در تاریخ ۱۲ شهریور انتشار یافت. هنگامی که مرامنامه حزب دموکرات منتشر شد معلوم گردید هدف

۱. علی مرادی مراغه‌ای، از زندان رضاخان تا صدر فرقه دموکرات آذربایجان، تهران، اوحدی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۷.

شومی از این تغییر سازمان مورد نظر است و آن تجزیه آذربایجان است.^۱

متن بیانیه ۱۲ ماده‌ای یا شعار مؤسسين فرقه دموکرات آذربایجان به شرح زیر بوده است:

۱. با حفظ استقلال و تمامیت ایران باید به مردم آذربایجان آزادی داخلی و مختاریت مدنی داده شود تا امکان داشته باشند در راه فرهنگ خود و برای آبادی و ترقی آذربایجان با رعایت قوانین عادلانه مملکتی سرنوشت خود را تعیین نمایند.

۲. برای عملی نمودن همین منظور به زودی انجمن‌های ایالت و ولایت انتخاب گردید و شروع به کار خواهند نمود. این انجمن‌ها درباره فرهنگ، بهداشت و اقتصاد فعالیت خواهند کرد و همچنین برابر قانون اساسی حق خواهند داشت کارهای مأمورین دولتی را بازرسی کنند و درباره تغییر و تبدیل آنها اظهار نظر نمایند.



نوشتن تمام علایم و تابلوها به ترکی

۳. در مدارس ابتدایی آذربایجان تا کلاس سوم همه درس‌ها تنها به زبان آذربایجانی تدریس خواهد شد. زبان فارسی فقط در کلاس‌های بالاتر به نام زبان دولتی برابر با زبان آذربایجان

۱. رحیم زهتاب فرد، *خاطرات در خاطرات*، تهران، ویستار، ۱۳۷۳، ص ۱۴۶.

تدریس می‌شود. تشکیل دارالفنون ملی در آذربایجان یکی از مقاصد اساسی فرقه دموکرات آذربایجان می‌باشد.

۴. فرقه دموکرات آذربایجان دربارہ توسعه صنایع و کارخانه‌ها جدا اقدام خواهد کرد، سعی خواهد نمود که هم‌زمان با تکمیل کارخانه‌های موجود، وسایل از بین بردن بیکاری و ازدیاد صنایع دستی و ماشینی را فراهم آورد و کارخانه‌های جدیدی نیز تأسیس نماید.

۵. فرقه دموکرات آذربایجان توسعه تجارت را نیز یکی از مسائل جدی و لازم محسوب می‌کند. بسته ماندن راه‌های

تجارتی تا امروز باعث گردیده است که اغلب کشاورزان و باغداران و خرده‌مالکین از هستی ساقط گردند و کارشان به گدایی بکشد. به منظور جلوگیری از این کار فرقه دموکرات آذربایجان در نظر دارد برای یافتن بازار و تأمین راه‌های ترانزیتی جهت کالاهای صادراتی آذربایجان اقدام جدی نماید تا بدین‌وسیله جلوی کاهش ثروت عمومی گرفته شود.

۶. یکی از مقاصد اساسی فرقه دموکرات توجه به عمران و آبادی شهرهای آذربایجان است. برای نیل به این مقاصد سعی خواهد کرد در قانون تشکیل انجمن‌های شهری هر چه زودتر تغییرات لازم داده شود تا اهالی هر شهر امکان داشته باشند مستقلاً در آبادی شهر خود کوشش کنند و وضع ظاهر شهر را به حال آبرومند و مدرنی تبدیل نمایند، به خصوص یکی از مسائل خیلی فوری فرقه دموکرات تأمین آب مشروب شهر تبریز می‌باشد.

۷. مؤسسين فرقه دموکرات آذربایجان به خوبی متوجه‌اند که قدرت اقتصادی و قوه مولد

مأمورین شوروی با سرعت هر چه بیشتر بین افراد فرقه و زارعین به توزیع سلاح پرداخته و مردم و عشایر و رؤسای ایلات و ارتشیان را با قیام و پیوستن به دموکرات‌ها تشویق می‌کردند. نه تنها دولت شوروی و سفیر آن در تهران و کنسول آن در آذربایجان بلکه همه مأمورین کاگ ب در آذربایجان فعالانه شرکت داشتند.

شهرهای دیگر خرج می‌کنند چنانچه هر چه زودتر به آذربایجان مراجعت نمایند باید بدون قید و شرط در اختیار دهقانان گذاشته شود. ما کسانی را که ثروت آذربایجان را در خارج صرف عیش و نوش می‌کنند آذربایجانی نمی‌دانیم، چنانچه آنان از مراجعت به آذربایجان ابا و امتناع ورزند ما نیز برای آنان در آذربایجان حقی قائل نیستیم علاوه بر این فرقه سعی خواهد کرد از طریق خیلی سهل و ساده احتیاج دهقانان آذربایجان را از حیث زمین و ادوات کشاورزی تأمین نماید.

۸. از مهم‌ترین وظایف فرقه دموکرات یکی هم مبارزه با بیکاری است. این خطر حالا نیز در صورت خیلی جدی نمایان است و در آینده این مسأله روز به روز شدیدتر خواهد شد. از طرف دولت مرکزی و مأمورین محلی در این باره اقدامی به عمل نیامده است، اگر کار بدین منوال دوام داشته باشد شک نیست اکثر مردم آذربایجان محکوم به فنا خواهند شد. فرقه سعی خواهد کرد جهت جلوگیری از این خطر تدابیر جدی اتخاذ نماید، فعلا ممکن است تدابیری مثل ایجاد کارخانه‌ها، توسعه تجارت، توسعه تشکیلات کشاورزی، ساختن راه‌های آهن و شوسه تا حدی مفید واقع شود.

۹. موقع نوشتن قانون انتخابات ظلم فاحشی در حق آذربایجانیان شده، بنا به اطلاعات دقیق فعلا در این سرزمین بیشتر از چهار میلیون نفوس آذربایجانی زندگی می‌کنند. به موجب این قانون غیر عادلانه در مجلس شورای ملی جهت همه مردم آذربایجان فقط بیست صندلی جهت بیست وکیل اختصاص داده شده است این تقسیم قطعا یک تقسیم عادلانه نبوده

میانۀ اولین شهری بود که به دست فداییان سقوط کرد. در ۲۶ آبان ماه سال ۱۳۲۴ فداییان، کنترل شهر را به دست گرفتند و از آن تاریخ ارتباط بین آذربایجان با تهران از طریق میانۀ قطع شد.

است. فرقه دموکرات آذربایجان سعی خواهد کرد برای مردم آذربایجان حق انتخاب وکیل به

نسبت نفوس آن به دست بیاورد.

این نسبت تقریباً به اندازه یک سوم وکلای مجلس خواهد بود. فرقه دموکرات آذربایجان طرفدار آزادی مطلق انتخابات می‌باشد. فرقه با مداخله مأمورین دولت و عناصر داخلی و خارجی و همچنین با تهدید و تطمیع پولدارها در کار انتخابات جدا مخالفت خواهد کرد. انتخابات در تمام ایران باید در آن واحد شروع گردد و خیلی سریع پایان پذیرد.

۱۰. فرقه دموکرات آذربایجان با عناصر فاسد، مختلس، رشوه خوار که در ادارات دولتی رخنه نموده‌اند جدا مبارزه خواهد کرد و از افراد صالح و درستکار که در میان مأمورین دولت پیدا می‌شوند قدردانی خواهد نمود. مخصوصاً فرقه جدیت خواهد کرد شرایط زندگی و معاش مأمورین صالح را طوری اصلاح نماید که برای دزدی و خیانت دیگر بهانه‌ای در دست نداشته باشند و آنها بتوانند برای خود یک زندگی آبرومند ترتیب دهند.

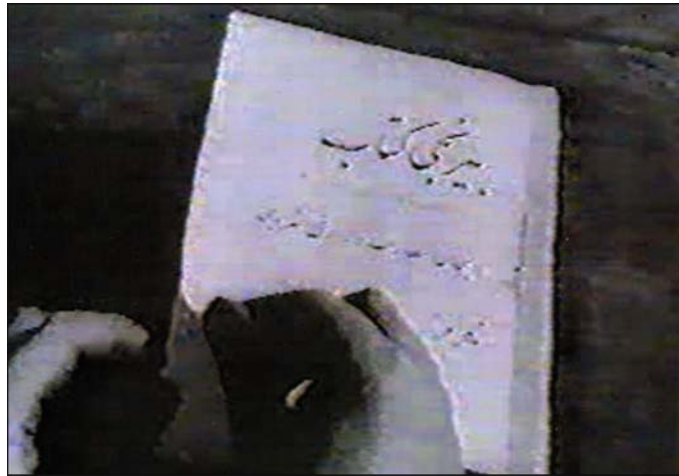


مدینه کلکون - از فعالین حزب دموکرات آذربایجان

۱۱. فرقه دموکرات آذربایجان سعی خواهد کرد نصف بیشتر از درآمدهای وصولی آذربایجان جهت رفع نیازمندی‌های خود آذربایجان مصرف شود و از میزان مالیات‌های غیر مستقیم نیز جدا کم گردد.

۱۲. فرقه دموکرات آذربایجان طرفدار دوستی با همه دولت‌های دموکراسی جهان مخصوصاً متفقین می‌باشد و برای تثبیت این دوستی سعی خواهد کرد در مرکز و شهرهای دیگر ایران دست عناصر خائن را که جهت برهم زدن دوستی بین ایران و دول متفق دموکرات کار می‌کنند و از هر گونه

امور سیاسی، اجتماعی، دولتی کوتاه نماید.^۱



نمونه‌ای از کتب منتشر شده به زبان ترکی جهت استفاده در مدارس آذربایجان با نام بیرنجی کتاب

◆ ایجاد جو خفقان و وحشت در آذربایجان

این رژیم جنبه دیگری هم داشت که می‌توان نام آن را وحشت گذاشت. تشریح وضع زندگی تحت فشار «وحشت» برای کسانی که به چنین زندگی دچار نشده‌اند بسیار مشکل است. وحشت فقط این نیست که طبق آمار بگوئیم چند نفر مقتول یا مجازات و یا زندانی شده‌اند. وحشت یک پدیده روان‌شناسی و یک موج ترس و واهمه است که سراپای مردم را فرا می‌گیرد. چنین وحشتی سراسر آذربایجان را فرا گرفته بود و متعاقب آن تنفر شدیدی نسبت به اوضاع در بین مردم پیدا شد که بعدها به جنگ و خونریزی علیه شورشیان منجر گردید.

۱. یونس مروارید، همان، ص ۸۵۹ - ۸۶۱



عده‌ای از فدائیان فرقه دموکرات در لباس ژاندارم شوروی که به نام سواران ستارخان نامیده می‌شد.

غول وحشت در آذربایجان پیشه‌وری نبود بلکه این لقب را باید به محمد بی‌ریا وزیر کار و فرهنگ و تبلیغات داد. بی‌ریا از رهبری اتحادیه رفتگران تبریز به مقام شامخی در نهضت کمونیستی رسیده بود. وی به منظور برقراری حکومت ترور و وحشت از دسته‌ای اوباش که نام انجمن دوستداران آذربایجان شوروی بر آن گذارده بود استفاده می‌کرد. جمع‌آوری اعضای برای این انجمن به عهده نمایندگان سیاسی اداره پلیس شوروی بود و هر کس که مخالف عضویت در انجمن بود یا از اقدامات آن اکراه داشت به شدیدترین وجهی تنبیه می‌گردید.^۱

◆ عکس‌العمل دولت و مجلس چهاردهم در قبال حوادث آذربایجان

به دنبال انتشار بیانیه فرقه دموکرات و برخی حوادثی که در شهرهای آذربایجان رخ می‌داد

۱. رابرت رُسو، همان، ص ۴.

نمایندگان مجلس شورای ملی در موضع‌گیری خود به تلاش افتادند و ضمن محکوم کردن فرقه دموکرات، آن را تأسف برانگیز خواندند و تشکیل فرقه دموکرات را از جانب بیگانگان یاد کردند که روح آذربایجانی از مقاصد آنها بی‌خبر می‌باشد و کوچک‌ترین تأثیر و اهمیت به این قبیل دستجات قائل نیست و از دولت خواستند که از خود قاطعیت نشان دهد.

آذربایجان در این تاریخ فاقد استاندار بود. دولت صدر در ۲۰ شهریور سید مهدی فرخ را که تقریباً مردی منفور آذربایجان و نماینده مجلس بود به عنوان استاندار آذربایجان انتخاب کرد. پیشه‌وری در مقاله‌ای تحت عنوان «چرا فرخ به آذربایجان می‌آید؟» مخالفت شدید خود را با استانداری وی اعلام داشت. به دنبال این جریان‌ها دولت صدرالاشراف ساقط گردید و مجلس به نخست‌وزیری ابراهیم حکیمی رأی داد. حکیمی با کنار گذاشتن فرخ از استانداری آذربایجان، احمد بیات را - که فردی معتدل بود - در اول آذرماه به استانداری آذربایجان انتخاب نمود. این بار پیشه‌وری در سرمقاله روزنامه آذربایجان چنین نوشت:

بیات می‌تواند به آذربایجان بیاید و حقایق امر را از نزدیک مشاهده کرده و

در ۱۰ آذر ۱۳۲۴ زنجان با کمترین تلفات به دست فرقه دموکرات افتاد و دکتر نصرت‌الله جهانشاهلو به عنوان مسئول فرقه در زنجان قدرت را به دست گرفت. پس از ۲۲ آذر ۱۳۲۴ و به دنبال تشکیل دولت به نخست‌وزیری پیشه‌وری، دکتر جهانشاهلو به سمت معاون پیشه‌وری انتخاب شد و به جای او غلام یحیی دانشیان، رهبری فرقه دموکرات را در زنجان به دست گرفت. اغلب غارت و چپاول اموال مردم و آزار و اذیت افراد و کشته شدن تعداد زیادی از مردم زنجان در دوره حضور غلام یحیی و عواملش در زنجان می‌باشد.

دولت خواب‌آلود مرکزی را متوجه جریان انقلابی این استان نکند و غیر از این
مأموریتی متوجه ایشان نخواهد بود.

آمدن استاندار جدید با هواپیمای روسی به تبریز و مورد استقبال قرار گرفتن او از جانب
پیشه‌وری، دکتر جاوید و علی شبستری در فرودگاه نشان می‌داد که سران فرقه نسبت به
استاندار جدید زیاد بدبین نیستند.
آمدن بیات مصادف با محاصره شهرهای مختلف آذربایجان توسط گروه‌های فدایی بود.
مذاکرات بین بیات و پیشه‌وری بدون اینکه به نتیجه برسد خاتمه یافت و ثابت شد که در حقیقت
امر دولت، آقای بیات را جهت حل اختلاف نفرستاده و بلکه او را جهت تاریک کردن اختلاف، به
آذربایجان اعزام کرده است.^۱

◆ تشکیل کنگره خلق آذربایجان (مجلس مؤسسان)

از ۱۹ الی ۱۹ آبان‌ماه از طرف فرقه در شهرهای مختلف آذربایجان یک سلسله
راهپیمایی‌هایی ترتیب داده شد که عمده‌ترین درخواست‌های راهپیمایان تشکیل انجمن‌های
ایالتی و ولایتی بود. در پایان این راهپیمایی‌ها راهپیمایان اقدام به انتخاب اعضای هیأت‌هایی
کردند که بتوانند نمایندگی آنان را در مجمعی بر عهده گیرد که قرار بود در اندک زمانی بعد در
تبریز برگزار شود.

در ۲۹ آبان ماه ۱۳۲۴ مطابق با ۲۱ نوامبر ۱۹۴۵، کنگره بزرگ فرقه دموکرات در سالن شیر
و خورشید شهر تبریز با شرکت ۷۲۴ نفر از نمایندگان که نمایندگی ۱۵۰۰۰۰ نفر آذربایجانی را
داشتند توسط حاج عظیم‌خان برادر ستارخان افتتاح گردید.^۲

این کنگره خودمختاری آذربایجان را در کادر ایران و قانون اساسی آن تصویب کرد و نیز

۱. ابراهیم ناصحی، همان، ص ۱۲۰، ۱۲۱.

۲. علی مرادی مراغه‌ای، همان، ص ۳۴۴.

تصمیم به تشکیل مجلس ملی آذربایجان گرفت. مجلس مؤسسان یک هیأت ملی مرکب از ۳۹ نفر انتخاب نمود و به وی اختیار داد تا تشکیل مجلس ملی زمام امور آذربایجان را به عهده بگیرد، انتخابات را تمام کند و درباره حل صلح‌آمیز مسأله آذربایجان با مراجع دولتی ایران وارد مذاکره شود.^۱

ریاست این هیأت با علی شبستری بود.

◆ اوضاع شهرهای آذربایجان در آستانه انتخابات مجلس عمومی

مأمورین شوروی با سرعت هر چه بیشتر بین افراد فرقه و زارعین به توزیع سلاح پرداخته و مردم و عشایر و رؤسای ایلات و ارتشیان را با قیام و پیوستن به دموکرات‌ها تشویق می‌کردند. نه تنها دولت شوروی و سفیر آن در تهران و کنسول آن در آذربایجان بلکه همه مأمورین کاگ ب در آذربایجان فعالانه شرکت داشتند.^۲



نظامیان و مردم ارومیه دلاورانه در مقابل متجاوزین و عوامل شوروی که سعی در شکستن مقاومت مدافعان شهر داشتند تا ۲۷ آذر سال ۱۳۲۴ شدیداً مقاومت کردند و فشار ژنرال اصلان‌اف فرمانده پادگان شوروی بر سرهنگ زنگنه مبنی بر تسلیم شدن بی‌فایده بود.

میانه؛ میانه اولین شهری بود که به دست فداییان سقوط کرد. در ۲۶ آبان ماه سال ۱۳۲۴ فداییان، کنترل شهر را به دست گرفتند و از آن تاریخ ارتباط بین آذربایجان با تهران از طریق میانه قطع شد و کلیه احتیاجات و تدارکات لشکر ۳ تبریز و تیپ ارومیه و تیپ اردبیل که از تهران به وسیله قطار به میانه حمل می‌شد به تصرف فداییان شبه نظامی فرقه

۱. ایرج اسکندری، همان، ص ۵۶۹.

۲. رحیم زهتاب فرد، همان، ص ۱۵۰.

درآمد.



غلام یحیی دانشیان
معاونت وزیر جنگ فرقه

غلام یحیی دانشیان و عباسعلی پنبه‌ای رهبری فداییان را در سقوط شهر به عهده داشتند. فداییان پس از تسلط بر شهر مأمورین را خلع سلاح کردند و با قطع سیم‌های تلگراف و تلفن رابطه تهران را با آذربایجان قطع کردند. علت سقوط سریع میانه به این خاطر بود که در آنجا مأمورین نظامی زیادی وجود نداشت و تعداد آنها از یک دسته ژاندارم و تعداد اندکی پاسبان که مأمور راه آهن بودند تجاوز نمی‌کرد. به همین خاطر غلام یحیی مسئول اتحادیه حزب کارگران توده میانه با تسلیح کارگران با وسیله سلاح‌هایی که کاپیتان

نوروزاف دژبان روسی شهر میانه در اختیارش گذاشته بود به آسانی و بدون اینکه با مانعی دشوار برخورد کند شهر میانه را از تصرف نیروهای دولتی خارج ساخت.^۱

در میانه مالکانی چون اسداله سالار مظفر، میرزا علی علوی و حاج سید داود ارشد الممالک



سلطان محمود ذوالفقاری

در مقابل فرقه‌ای‌ها ایستادگی کردند و بعد از ۲۱ آذر ۱۳۲۴ تیرباران شدند.^۲

زنجان: به دنبال سقوط شهر میانه، حکومت مرکزی پنهانی به تقویت نیروهای خود در زنجان پرداخت تا از طریق دستگیری سران اتحادیه‌های کارگری از دچار شدن زنجان به سرنوشت میانه ممانعت کند. در این میان سلطان محمود ذوالفقاری که از ملاکین سرشناس زنجان بود با شتاب تعداد

۱. علی مرادی مراغه‌ای، همان، ص ۳۴۸.

۲. رحیم زهتاب فرد، همان، ص ۸۶.

تفنگداران خود را افزایش داد و همسو با نیروهای نظامی حکومت مرکزی علیه طرفداران فرقه وارد عمل می‌شد. سرانجام با پیش‌دستی کارگران و عوامل فرقه، گروهان ژاندارمری و ادار به تسلیم شد و گروه سلطان محمود ذوالفقاری عقب‌نشینی کرد و در ۱۰ آذر ۱۳۲۴ زنجان با کمترین تلفات به دست فرقه دموکرات افتاد و دکتر نصرت‌الله جهانشاهلو به عنوان مسئول فرقه در زنجان قدرت را به دست گرفت. پس از ۲۲ آذر ۱۳۲۴ و به دنبال تشکیل دولت به نخست‌وزیری پیشه‌وری، دکتر جهانشاهلو به سمت معاون پیشه‌وری انتخاب شد و به جای او غلام یحیی دانشیان، رهبری فرقه دموکرات را در زنجان به دست گرفت. اغلب غارت و چپاول اموال مردم و آزار و اذیت افراد و کشته شدن تعداد زیادی از مردم زنجان در دوره حضور غلام یحیی و عواملش در زنجان می‌باشد.^۱

مراغه؛ پس از انتشار بیانیه فرقه دموکرات آذربایجان در ۱۲ شهریور ماه ۱۳۲۴، فرقه



داداش تقی زاده

نماینده مجلس ملی آذربایجان از مراغه

دموکرات شهرستان مراغه به رهبری داداش تقی‌زاده، مسئول سابق حزب توده مراغه، فعالیت خود را آغاز نمود. در آن زمان ربیع کبیری که از منتقدین و خانواده‌های قدیمی مراغه بود و سوابق مبارزاتی نیز داشت و فرمانداری مراغه را عهده‌دار بود به فرقه دموکرات جلب و عضو کمیته ولایتی فرقه در مراغه و نیز رهبر شاخه نظامی فرقه شد.

در شب دوم آذرماه ۱۳۲۴ یحیی سالاری فرماندار شهر و سرهنگ دوم معین آزاد فرماندار ایلخی و رئیس انتظامات به اتفاق سرگرد صفوت به منزل کوماندانی شوروی در مراغه

دعوت می‌شوند. سرگرد صفوت از رفتن به منزل کماندان سر باز می‌زند. یحیی سالاری فرماندار شهر و سرهنگ معین آزاد به منزل کوماندانی می‌روند و در موقع مراجعت به وسیله

۱. علی مرادی مراغه‌ای، همان، ص ۳۵۰.

افراد ناشناسی مورد هدف گلوله قرار می‌گیرد، فرماندار بلافاصله کشته می‌شود ولی سرهنگ معین آزاد توسط افراد فرقه دستگیر می‌شود و بعد از شکنجه این افسر متهور به طرز فجیعی به قتل می‌رسد و بدن او قطعه قطعه می‌شود.

بعد از توزیع اسلحه و مهمات میان اعضای فرقه دموکرات پاسگاه‌ها و مراکز نظامی از طرف فرقه به محاصره درآمد. در مذاکره بین سروان عابدینی رئیس ژاندارمری مراغه و عدل‌الدوله کبیری رهبر شاخه نظامی فرقه ژاندارمری بدون درگیری تسلیم فرقه گردید و به ناچار پادگان مراغه نیز به تاریخ ۲۱ آذرماه ۱۳۲۴ تسلیم شد.^۱

ارومیه؛ پادگان ارومیه و نیروهای نظامی مستقر در آن دلاورانه و با شجاعت بی‌نظیر در



سرهنگ زنگنه - فرمانده نیروی ارومیه

برابر عوامل فرقه که به طور جدی از طرف ارتش سرخ شوروی حمایت می‌شدند ایستادگی نمودند. پادگان ارومیه با وجود سقوط پادگان تبریز هنوز مقاومت می‌کرد. دستور سرتیپ درخشانی، فرمانده لشکر تبریز، مبنی بر ترک مقاومت مورد قبول سرهنگ زنگنه فرمانده پادگان ارومیه واقع نشد. نظامیان و مردم ارومیه دلاورانه در مقابل متجاوزین و عوامل شوروی که سعی در شکستن مقاومت مدافعان شهر داشتند تا ۲۷ آذر سال ۱۳۲۴ شدیداً مقاومت کردند و فشار ژنرال اصلان‌اف فرمانده پادگان شوروی بر سرهنگ زنگنه مبنی بر تسلیم

۱. یونس مروارید، همان، ص ۸۷۸.

شدن بی‌فایده بود. عاقبت به علت اتمام مهمات و ذخایر موجود و قطع ارتباط تیپ ارومیه با تهران به علت از کار افتادن بی‌سیم، پادگان ارومیه ضمن انهدام کلیه ادوات جنگی برای اینکه به دست عوامل فرقه نیفتد تسلیم شد و سرهنگ زنگنه و سایر فرماندهان عالی رتبه نظیر سرهنگ نوربخش و سرگرد بهاروند دستگیر و به زندان تبریز انتقال یافتند.^۱

از طرف ستاد ارتش ستونی مجهز، به قصد کمک از تهران به تبریز اعزام شد که در شریف‌آباد قزوین در ۲۷ آبان توسط نیروهای شوروی از پیشرفت باز ایستاد. این حادثه پیشه‌وری و یارانش را قوت قلب بسیاری بخشید و موجب شد حمله سراب را در مشکین شهر و اهر و میاندوآب تکرار کنند و به همان قرار سربازها را مرخص کردند ولی افسران تیرباران شده را در کنار جاده مدفون و پاهای آنان را از خاک بیرون گذارده بودند.

سراب؛ فرقه دموکرات اولین حمله مسلحانه به پادگان‌ها را از پادگان سراب آغاز کرد و به زودی این پادگان به علت کثرت مهاجمین از پای درآمد. مهاجمین نفرت پادگان را به خانه‌های خود مرخص کردند ولی افسران را در نهایت شقاوت و بر خلاف تمام موازین انسانی تیرباران کردند. این اقدام ناجوانمردانه مرکز نشینان را از خواب بیدار کرد و از طرف ستاد ارتش ستونی مجهز، به قصد کمک از تهران به تبریز اعزام شد که در شریف‌آباد قزوین در ۲۷ آبان توسط نیروهای شوروی از پیشرفت باز ایستاد. این حادثه پیشه‌وری و یارانش را قوت قلب بسیاری بخشید و موجب شد حمله سراب را در مشکین شهر و اهر و

میاندوآب تکرار کنند و به همان قرار سربازها را مرخص کردند ولی افسران تیرباران شده را

۱. ابراهیم ناصحی، همان، ص ۱۷۸ - ۱۸۲.

در کنار جاده مدفون و پاهای آنان را از خاک بیرون گذارده بودند.^۱

◆ سقوط پادگان تبریز

نیروهای شوروی بیشترین توجه خود را بر پادگان‌ها و پاسگاه‌های لشکر داشتند سخت‌گیری‌ها و فشارهای آنها به حدی رسیده بود که عبور یک ژاندارم یا سرباز از پاسگاهی به پاسگاه دیگر مستلزم داشتن جواز عبور از مقامات شوروی بود. در آستانه سقوط آذربایجان از طرف ستاد ارتش در ۱۳۲۴/۸/۵ تلگرافی به فرمانده لشکر ۳ مخابره می‌شود که حاکی از علنی بودن بازی‌های سیاسی و مداخله اجنبی در امور داخلی ایران و آگاهی ستاد از عمق فاجعه و بازی‌های پشت پرده بوده است.

سرلشکر ارفع در تلگراف خود می‌گوید:

لازم است طبق دستورات قبلی با تحت امر گرفتن ژاندارمری و شهربانی در شهرهای تبریز، ارومیه، اردبیل و سایر نقاط مسلحانه تا آخرین قطره خون افسران، افراد از اماکن دولتی خصوصا عمارت استانداری، شهربانی، ژاندارمری، سربازخانه و تلگرافخانه بدون رعایت اختراهای مقامات غیر مسئول و غیر از ستاد ارتش دفاع نموده و آرامش را برقرار و از هر گونه انقلاب جلوگیری کنید. لازم است خود شما و افسران مربوطه تا دستور ثانوی شب‌ها در سربازخانه آماده باشید و ارتباط کامل بین اماکن دولتی که تحت اشغال قوای انتظامی است برقرار نمایید. ضمناً نظر به اینکه ممکن است وضعیت ناامنی مشکل و طوری ایجاد شود که واحدها و پادگان‌ها در حال محاصره قرار گیرند که چند روز هم به طول انجامد فوراً خواربار و همچنین احتیاجات دیگر را پیش بینی نموده و در سربازخانه‌ها ذخیره نمایید.

در این دستور نظامی به دو نکته صراحتاً اشاره شده است؛ یکی اینکه به اختراهای مقامات غیر مسئول اعتنایی نشود. مقصود از مقام غیر مسئول مداخله ژنرال کلینسکی فرمانده

۱. علی مرادی مراغه‌ای، همان، ص ۳۵۶.

نیروهای شوروی و میر جعفر باقراوف و دکتر علی‌اف می‌بود که این شخص با سمت ریاست بیمارستان شوروی در تیریز بود که بیش از هر مقام دیگری خط‌دهنده به فرقه و حکومت جمهوری آذربایجان بود و دوم اینکه حمله به پاسگاه‌ها و پادگان و لشگر جزو برنامه یاغیان بود.



انگلیس‌ها برای حفظ نفت جنوب برای خود، شدیداً طرفدار واگذاری نفت شمال به روسیه بودند و در حقیقت عملاً به تجزیه ایران به منطقه نفوذ شوروی و انگلستان معتقد بودند.



سرتیپ درخشانی بدون توجه به ضعف حکومت مرکزی و توقف اجباری نیروهای اعزامی مرکزی در شریف آباد قزوین و اولتیماتوم شوروی‌ها درباره استانداری فرخ و یکه‌تازی مأمورین خارجی و محیط رعب و وحشت در آذربایجان، تا آخرین روز تسلیم به عنوان فرمانده مقتدر مانع از پاشیده شدن لشگر و نفوذ اجنبی و کمونیست‌ها بین سربازان

و افسران لشگر ۳ گردید و در ۲۱ آذر، در چند روز آخر به هر دلیلی می‌بود تسلیم را تنها چاره کار دانست و حتی پیشنهاد شرم‌آور و غیر مترقبه و غیر معقولی را در برابر اوامر صریح ستاد کل که گفته شده بود تا آخرین قطره خون در برابر دشمنان استقلال و تمامیت ایران ایستادگی کنید با رمز به ستاد کل گفت:

... اینان مصرند که من چون آذربایجانی هستم در رأس ارتش آذربایجان باقی مانده و

تصدی فرماندهی ارتش فرقه را به عهده بگیرم.

و وقتی که با جواب تند و آشتی‌ناپذیر ستاد ارتش روبه‌رو می‌شود و با این امریه مواجه می‌گردد که:

... شرافت سربازی و استقلال کشور به هیچ وجه اجازه چنین تسلیمی را نمی‌دهد، خود

شما با کلیه افسران لشگر به مرکز حرکت نمایید، منتها تیپ‌های ارومیه و اردبیل طبق

دستورات قبلی در مقابل ماجراجویان ایستادگی نمایند و اگر مقدور است حتما مقاومت نمایند...

درخشانی در برابر این امریه باز هم نقش واسطه را ایفا می‌کند و با ستاد ارتش به چانه زدن می‌پردازد و در ساعت ۷/۳۰ بعد از ظهر ۱۳۲۴/۹/۲۲ با بی‌سیم به ستاد ارتش اطلاع می‌دهد که: ... هیچ‌گونه مقاومتی از طرف لشکر ممکن نبوده و به هیچ وجه مفید فایده نخواهد بود، جز موافقت با نظر آنها چاره‌ای نیست و در صورت تأیید اجازه فرمائید در رأس ارتش باقی بمانم و از محو لشکر جلوگیری به عمل آید.



از بین بردن تمام نوشته‌ها و تابلوها به زبان فارسی

درخشانی که سخت تحت فشار مقامات شوروی قرار می‌گیرد و تهدید و قطعاً تطمیع می‌شود در برابر تلگراف ستاد مقاومت را غیر عملی می‌داند و تسلیم را تنها چاره می‌بیند و برای تحقق این هدف، با حضور افسران ارشد حاضر در موضع دفاعی هنگ تبریز در مقر فرماندهی لشکر جلسه‌ای تشکیل و پس از بررسی وضعیت محلی و سیاسی منطقه اظهار نظر می‌کند که در وضع محاصره و عدم امکان حرکت نیرو از تهران راهی جز تسلیم نیست و صورت جلسه را به امضای تعدادی از افسران ارشد می‌رساند و پیشنهاد می‌کند که شما می‌توانید با خانواده خود

آذربایجان را ترک یا در اینجا بمانید.

آیت‌الله لنکرانی نسبت به قوام به ویژه دستیارش (مظفر فیروز) دیدگاهی شدیداً منفی داشت. وی قوام را سیاستمداری مستبد، کژاندیش و دارای اشتباهات فاحش و مکرر در سیاست داخلی و خارجی می‌شمرد و مظفر فیروز را عامل انگلیسی‌ها در دستگاه روس‌ها قلمداد می‌کرد.

روز ۲۳ آذر ۱۳۲۴ طبق اعلامیه عنوان می‌کند:

نظر به تصمیمات متخذه در کمیسیون متشکله با افسران ارشد پادگان تبریز به منظور جلوگیری از خونریزی و برادرکشی و ائتلاف نفوس و عدم فقدان اموال دولتی و بازرگانان و سایر مردم دستور می‌دهم کلیه پادگان تبریز اسلحه خود را به زمین بگذارند و مطابق دستورات صادره رفتار نمایند.

فرمانده لشکر ۳ آذربایجان - سرتیپ درخشانی^۲

قبل از این اطلاعیه روز پنجشنبه ۲۲ آذر، بیات استاندار به اتفاق سپه‌رروش، فرماندار تبریز، با طیاره به تهران عزیمت نمودند و پیشه‌وری به عمارت عالی‌قاپو منتقل و این عمارت محل

۱. رحیم زهتاب فرد، همان، ص ۲۰۲ - ۲۰۴.

۲. همان، ص ۲۲۹.

دولت آذربایجان شد.^۱

◆ تحلیلی بر اقدامات شوروی در آذربایجان در این برهه زمانی

در آن وقت ارتش سرخ شوروی در نواحی شمال غربی ایران از ۳ قسمت تشکیل می‌شد، یک لشکر پیاده‌نظام در ارومیه، یک لشکر سواره‌نظام در اردبیل و لشکر سواره نظام دیگری در تبریز، ۱۶ تانک شرم‌ن که به موجب قانون وام و اجاره امریکا داده شده بود و چهار توپ خودکار پادگان تبریز را محافظت می‌کردند. در شب‌های سوم و چهارم مارس ۱۹۴۶ نیروهای ارتش سرخ شوروی که در تبریز مستقر گردیده بودند شروع به حرکت کردند. تقریباً تعداد ۱۵۰ کامیون مملو از سرباز و ۱۶ تانک شرم‌ن به طرف تهران در حرکت بودند و در همان وقت دو هنگ سوار به اتفاق تعدادی توپ و سرباز به طرف سرحدات ترکیه و یک گروه نظامی عظیم از مراغه به طرف مرز عراق به حرکت درآمد.



تصویری از اعضای فرقه دموکرات کردستان

در این اثنا تعداد تانک‌های بیشتری (از نوع ۴۶ ت ۳۴) به وسیله قطار به تبریز رسید. در ۶ مارس مارشال ایوان باقرامیان که در زمان جنگ جهانی دوم فرمانده کل ارتش اول شوروی در ناحیه بالتیک بود وارد تبریز شد و سمت فرماندهی کل نیروهای جدید را عهده‌دار گردید. این لشگرکشی قریب به یک ماه یعنی از ۴ تا ۲۸ مارس ادامه یافت و در ظرف این مدت ۱۵ تیپ نظامی مسلح زره‌ای که از ۵۰۰ تانک و نیروهای امدادی تشکیل یافته بود وارد ایران شدند. ارتش مزبور به شرح ذیل پراکنده شده بود:

- ۱) نیرویی که پایگاه آن در خوی بود، در سرحدات ترکیه گسترش پیدا کرد و جاده‌هایی را که از شمال و جنوب دریاچه وان به آناتولی مرکزی امتداد داشت تحت سلطه خود گرفته بود.
 - ۲) نیروی دوم در میان‌دوآب مستقر بود که واحدهای مقدم آن در پیرانشهر واقع در سرحدات عراق قرار داشت، علاوه بر این نیروهای کمکی نیز در سقز و شاهین‌دژ مستقر شده بودند.
 - ۳) نیروی سوم در امتداد جاده تهران گسترش یافته بود. پایگاه این نیرو در زنجان و واحدهای مقدم آن در کرج قرار داشت.
 - ۴) نیروهای ذخیره که بین مراغه و تبریز مستقر شده بودند.
- مقارن این احوال در ۴ مارس جمهوری مهاباد که رژیم دست‌نشانده شوروی‌ها در صفحات جنوبی آذربایجان بود مدعی حکومت بر منطقه بزرگ کردنشین واقع در قسمت جنوب و مشرق ترکیه گردید.
- این موضوع کاملاً آشکار شد که هدف اولیه شوروی‌ها آن بود که بر آذربایجان و کردستان استیلا پیدا کنند و امتیازات گوناگون از ایران بگیرند. در همان حال روشن شد که تازه خود این امور وسیله و مقدمه برای نیل به یک هدف مهم‌تر می‌باشد. منظور و هدف مهم شوروی از این اقدامات این بود که ترکیه را که سد و حائل عمده در برابر پیشرفت‌های خود در سراسر منطقه

خاورمیانه می دانست از میان بردارد.^۱



تصویری عده‌ای از افراد فرقه دموکرات

◆ تشکیل مجلس ملی آذربایجان

در ۲۱ آذرماه ۱۳۲۱ مجلس ملی آذربایجان اولین جلسه خود را در سالن سینما دیانای تبریز با نطق ریاست سنی مجلس، محمد تقی رفیعی (نظام‌الدوله)، و با حضور ۷۵ نماینده افتتاح کرد. سپس نظامنامه مجلس توسط میر رحیم ولایی قرائت و تصویب شد و بعد انتخاب هیأت رئیسه با رأی مخفی به شرح



تصویر مدال اهدایی فرقه دمکرات به اعضاء بلند پایه خود

۱. رابرت رسو، همان، ص ۶، ۷.

زیر به عمل آمد:

حاج میرزا علی شبستری با ۶۹ رأی به ریاست مجلس و آقایان پادگان، رفیعی و جودت با ۷۰ و ۶۸ و ۶۳ به سمت معاونت مجلس و میر رحیم ولایی و محمد عظیم‌ما به عنوان منشی انتخاب گردیدند و اعضای هیأت رئیسه نیز عبارت بودند از:

۱. مراد علی تیموری بیات ۲. اصغر دیبائیان و ۳. صادق دیلمقانی. مجلس ملی تمایل اکثریت را به نخست‌وزیری سید جعفر پیشه‌وری اعلام کرد و او را موظف نمود که در بعد از ظهر همان روز کابینه خود را به مجلس معرفی کند.^۱

◆ اسامی وکلای مجلس ملی آذربایجان

| | | |
|----------------------|-----------------------|-------------------------|
| غفاری، ابوالفضل | جودت، حسن | آخوندزاده، حسین |
| قوروقچیان، بابگن | جهانشاهلو، نصرت‌الله | آذربادگان، خلیل |
| قهرمان زاده، قهرمان | چاوشی، میرمحمد | آزادی وطن، محمد تقی |
| قیامی، زین العابدین | چشم آذر، میرقاسم | آقازاده، میرزاقاسم |
| کاویان، جعفر | خاوری، تقی | ابراهیمی، فریدون |
| کیبیری، رفیع | دانایی، محرم | احمدی، عبدالحسین |
| کریمی | دانشیان، غلام یحیی | اخگری عجب شیر، جعفر |
| گرگیان، دواد | دیبائیان، محمدعلی | ادیب، جعفر |
| ماشینچی، علی شمس | دیلمقانی، صادقی | اورنگی ممقانی، علی اکبر |
| مرادی، علی اکبر | رحیم زاده باکوچی، حاج | ایپکچیان، فتحعلی |
| مستمع، عبدالعلی | زین‌العابدین | بدری، شمسی |
| معیرزاده | رحیمی، عبدالله | پورچالو، قلیخان |
| مقردیچیان، سیمون | رسولی، رضا | بی‌ریا، محمد |
| موزع‌زاده، رسام | رفیعی، محمدتقی قیزی | بیات ماکو، آتش خان |
| موزع زاده، عبدالرحیم | علمداری گرگر، حسن | پادگان، صادق |

۱. علی مرادی مراغه‌ای، همان، ص ۳۶۹.

| | | |
|-----------------------|---------------------------|-----------------|
| پژوهیده، عبدالعلی | ژوهیده، علی اکبر | مهتاش، جاوید |
| پنبه ای، عباسعلی | شاهینی، تقی | میراکیان، ورام |
| پیشنمازی، اسماعیل | شیستری، حاج میرزا علی | نائینی، بهرام |
| پیشه وری، میر جعفر | شکیبا | ناصری، هلال |
| ترابی، مکرم | شمس، اسماعیل | نیکجو، ابوالفتح |
| ترابی، محمود | صانعی، حسین | واقف، ابوالحسن |
| ترکی، عقیفه | صفایی، معرفت | ولایی، میررحیم |
| تقی زاده، داداش | عظیما، محمد | هاشم نیا، کاظم |
| تیزفهم تکمه‌داش، حسین | عظیما، یوسف | هاشمی، مهدی |
| تیموری بیات، مرادعلی | علیزاده، ابراهیم | یکانی، نورالله |
| جاوید، سلام‌الله | غزنوی، محمود ^۱ | |

◆ استقرار حکومت ملی و تشکیل کابینه توسط پیشه‌وری

کابینه پیشه‌وری که با اکثریت آرا در مجلس تصویب شد عبارت بود از:

۱. سید جعفر پیشه‌وری: نخست‌وزیر (تا انتخاب وزیر کار، این وزارتخانه به عهده پیشه‌وری گذاشته شد).
۲. وزیر کشور: دکتر سلام‌الله جاوید
۳. وزیر ارتش توده‌ای: جعفر کاویانی
۴. وزیر کشاورزی: دکتر مهتاش
۵. وزیر معارف: محمد بی‌ریا
۶. وزیر بهداری: دکتر حسین اورنگی
۷. وزیر دارایی: غلامرضا الهامی
۸. وزیر عدلیه: یوسف عظیما
۹. وزیر راه، پست و تلگراف: ربیع کبیری
۱۰. وزیر اقتصاد و بازرگانی: رضا رسولی

۱۱. معاون نخست‌وزیر: دکتر نصرت‌الله جهانشاهلو

۱۲. سرگرد فداییان: غلام یحیی دانشیان

۱۳. دادستان آذربایجان: فریدون ابراهیمی

۱۴. ریاست دیوان تمیز: زین‌العابدین قیامی

سیاست خارجی فرقه نیز به عهده وزیر امور خارجه ایران گذاشته شد.^۱

اکنون با شرح حال و چهره پاره‌ای از گردانندگان فرقه آشنا می‌شویم:



سید جعفر پیشه‌وری

۱. سید جعفر پیشه‌وری (پرویز جوادزاده خلخالی)

وی به سال ۱۲۷۲ هجری شمسی برابر با ۱۸۹۳ میلادی در روستای زاویه خلخال به دنیا آمد. سپس به همراه پدر و مادر به باکو رفت و در آنجا به تحصیل و کار پرداخت. در جریان انقلاب ۱۹۱۷م به کمونیسم جلب شد. سال ۱۹۱۸ در ۲۵ سالگی به عضویت کمیته مرکزی حزب عدالت درآمد. سال‌های ۱۹۱۹ - ۱۹۲۰ سردبیری روزنامه حریت را به عهده داشت. در اردیبهشت ۱۲۹۹ (۱۹۲۰) همراه ارتش سرخ و

تعدادی از رهبران حزب عدالت به گیلان رفت. در ۳۰ خرداد ۱۲۹۹ (۲۲ ژوئن ۱۹۲۰) در بندر انزلی در جریان اولین کنگره حزب کمونیست ایران به عنوان یکی از اعضای کمیته مرکزی و یکی از رهبران اصلی حزب برگزیده شد. در پی شکست نهضت جنگل مدتی به باکو رفت و مدیریت روزنامه اکیجکی را به دست گرفت و آنگاه به عنوان دبیر تشکیلات تهران به ایران آمد. پیشه‌وری در ۶ دی ۱۳۰۶ توسط شهربانی بازداشت شد. در تمام دوران دستگیری حتی عضویت در حزب کمونیست را انکار کرد تا بالاخره در اسفند ۱۳۰۸ در دادگاه جنایی به ده

۱. علی مرادی مراغه‌ای، همان، ص ۳۶۹.

سال زندان محکوم گردید. پس از آزادی در سال ۱۳۱۹ به کاشان تبعید شد. در مهرماه ۱۳۲۰ در جلسه مؤسسان حزب توده در زمره رهبران اولیه حزب انتخاب شد و به همراه ایرج اسکندری اولین مرامنامه حزب را نوشت ولی به علت اختلاف با اردشیر آوانسیان از حزب کناره گرفت و در خرداد ۱۳۲۲ روزنامه آژیر را آغاز کرد. در مجلس چهاردهم از حوزه تبریز به نمایندگی انتخاب شد ولی به دلیل رد اعتبارنامه‌اش نتوانست در مجلس شرکت کند.

رد اعتبارنامه پیشه‌وری، وی را به انزوا کشاند و شاید عامل اصلی فرو غلتیدن او در دامان روس‌ها بود. در کنگره اول حزب توده (۱۰ مرداد ۱۳۲۳) به عنوان نماینده سازمان حزبی آذربایجان حضور یافت ولی در اینجا نیز اعتبارنامه او رد شد.

در مرداد ۱۳۲۴ روزنامه آژیر توقیف شد. در چنین شرایطی پیشه‌وری به باکو رفت و بعد از ملاقات با باقراوف در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ فرقه دموکرات آذربایجان را تشکیل داد. وی در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ بعد از اینکه تبریز به تصرف نیروهای دولتی

درآمد به اتفاق برخی از رهبران دموکرات‌ها با یکصد کامیون و اتومبیل شخصی از جلفا عبور کرد و به خاک شوروی گریخت. وی یک سال و نیم بعد در ۵۵ سالگی در جریان یک تصادف رانندگی به طرز مشکوکی در بیمارستان گنجه جان باخت.^۱

**موافقت لندن با سلطه شوروی بر
آذربایجان طبیعتاً مشروط به اجرای
جزء دیگر آن نقشه شیطانی یعنی
تحقق سلطه خودشان بر جنوب
است و قاعدتاً با ناکام ماندن این
جزء از نقشه لندن نه تنها دیگر
حامی رقیب در غائله آذربایجان
نخواهد بود بلکه تمامی تلاشش را
نیز برای جلوگیری از پیروزی نقشه
رقیب به کار می‌بندد.**

۱. «زندگی پیشه‌وری»، ایام، جام جم، (۹ آذر ۱۳۸۵)، ص ۷.



غلام یحیی دانشیان
معاونت وزیر جنگ فرقه

۲. غلام یحیی دانشیان

وی به سال ۱۲۸۵ شمسی در سراب چشم به جهان گشود. در نوجوانی همراه پدرش برای کار به مناطق نفتی باکو رفت و در آنجا به عضویت سازمان جوانان کمونیستی به نام «کامسامول» و سپس حزب کمونیست درآمد و در دوره تربیت کادر این سازمان شرکت کرد. وی با فعالیت در میان کارگران، به ویژه کارگران ایرانی توانست اعتماد سازمان حزبی و دولتی شوروی را به خود جلب سازد به طوری که

در مهم‌ترین بخش نفت‌خیز باکو یعنی شهر صابونچی به عنوان شهردار برگزیده شد. در سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸ هنگام اخراج ایرانیان از آذربایجان شوروی او نیز روانه ایران شد. هم‌زمان با اشغال ایران در سال ۱۳۲۰، شوروی‌ها چند واگن باربری راه‌آهن ایران را که در اختیارشان بود تحویل او دادند تا با درآمد حاصل از حمل بارهای بازرگانان، هزینه‌های حزب توده را در آذربایجان تأمین سازد.

در سال ۱۳۲۴ به هنگام تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان در پیوستن به آن تردید نکرد و به زودی یکی از سازمان‌دهندگان نیروهای فرقه و از سران آن شد. در آبان ماه ۱۳۲۴ وی شهر میانه را تصرف کرد. غلام یحیی و هم‌دستانش با توسل به غارت و چپاول مردم و با قاچاق روغن، پنیر و گوسفند به آن سوی مرزها، مردم آذربایجان را از نظر خواربار و گوشت در مضیقه قرار دادند. بعد از شکست فرقه و آزادسازی آذربایجان در آذر ۱۳۲۵، وی به همراهان پیشه‌ووری به شوروی گریخت. پس از مرگ مشکوک پیشه‌ووری در یک سانحه اتومبیل که عامل آن را غلام یحیی می‌دانند رهبری فرقه به قاسم چشم‌آذر منتقل شد و در سال ۱۳۳۶ او جای خود را به غلام یحیی داد. وی فردی قدرت‌طلب، مستبد و بیسواد بود و در این دوران تلاش گسترده‌ای برای الحاق آذربایجان به شوروی به عمل آورد و از هیچ خدمتی به بیگانگان و هیچ خیانتی به مردم ایران فروگذار نکرد.

غلام یحیی دانشیان در واپسین سال‌های پیش از انقلاب به علت بیماری و کهولت سن از فعالیت کناره گرفت و صدر افتخاری فرقه شد و در حوالی سال ۱۳۶۳ در شوروی درگذشت.^۱



فریدون ابراهیمی - دادستان فرقه

۳. فریدون ابراهیمی

وی به سال ۱۲۹۷ شمسی در شهر آستارا در خانواده‌ای تحصیلکرده چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به اتمام رساند. پدرش میرزا غنی در سال ۱۳۰۸ با اتهامات سیاسی به زندان افتاد و چندین سال در حبس بود و بعد از آزادی از زندان به نیاوند تبعید گردید. فریدون ابراهیمی جهت ادامه تحصیل ابتدا به انزلی و سپس به تبریز آمد و جهت تکمیل تحصیلات دانشگاهی به تهران عزیمت نمود. وی در تهران در رشته حقوق ادامه تحصیل داد و هم‌زمان شروع به مقاله‌نویسی در روزنامه‌ها نمود. از جمله روزنامه‌هایی که با آنها همکاری داشت عبارت بودند از: رهبر، آژیر و مردم. وی به سال ۱۳۲۴ به آذربایجان برگشت و شروع به نوشتن مقاله در روزنامه خاور نو - که بازتاب افکار کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان بود - نمود.

در سال ۱۳۲۵ وی به نمایندگی از طرف روزنامه‌نگاران آذربایجان به کنفرانس صلح پاریس اعزام شد. در جریان فرقه دموکرات آذربایجان به سمت دادستان دولت دموکرات منصوب شد. در ضمن اداره روزنامه آذربایجان، ارگان رسمی فرقه، به او محول شد. پس از ۲۱ آذرماه ۱۳۲۵ و شکست فرقه دموکرات در تبریز دستگیر و در دادگاه ارتش محاکمه گردید و در روز جمعه اول خرداد ۱۳۲۶ در تبریز به دار آویخته شد.^۲

۱. «غلام یحیی دانشیان»، ایام، جام جم، (۹ آذر ۱۳۸۵)، ص ۷.

۲. آزادلیق، بی‌جا، بی‌نام، بی‌تا، ۲ جلد.

۴. دکتر سلام‌الله جاوید

وی از یاران با سابقه روس‌ها و کاگ ب بود. به گفته پیشه‌وری مدت کوتاهی در دوره رضاشاه زندانی بود و سپس از آن به کاشان تبعید شد. دکتر جاوید در میان مردم نقش جاسوس و پادوی شهربانی را بازی می‌کرد. سازمان امنیت شوروی از باکو او را توصیه کرد و شرکت او در کمیته مرکزی و دولت فرقه دموکرات نیز از این رو انجام پذیرفت. وی با نمایندگان سازمان امنیت روس در تبریز در ارتباط بود و در همه مصادره‌هایی که در تبریز و شهرهای دیگر انجام می‌گرفت مستقیم یا غیر مستقیم دخالت داشت و سهمی از آنها دریافت می‌نمود و بر اثر غارت اموال مردم ثروت فراوانی اندوخت. وی در کابینه پیشه‌وری به عنوان وزیر کشور انتخاب شد.^۱



ژنرال کبیری - وزیر پست و تلگراف

۵. ربیع کبیری (عدول‌الدوله)

وی به سال ۱۳۶۸ هجری شمسی در مراغه در یک خانواده مرفه به دنیا آمد که جزو مالکان و از خانواده‌های سرشناس آذربایجان بودند. وی تحصیلات ابتدایی را در مراغه به اتمام رسانید و جهت تکمیل تحصیلات ابتدا به تبریز و سپس به تهران عزیمت نمود. وی دارای اطلاعات وسیعی در زمینه ادبیات و تاریخ بود. کبیری به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد. وی در دوران خدمت خود تصدی مشاغل مهم را از جمله فرمانداری و ریاست عالییه در شهرهای کرمان، بلوچستان، رفسنجان و کرمان را داشت. وی ابتدا از طرفداران

۱. ابراهیم ناصحی، همان، ص ۱۹۲.

سلطنت بود و با ستارخان و مشروطه خواهان جنگیده بود. وی در زمان رضاخان فرماندار اردبیل شد. وی در آن دوره برای سرکوبی اسماعیل آقا سمیتقو که ارومیه را تصرف کرده بود عازم آنجا گردید و موفق شد که ارومیه را از دست سمیتقو خارج سازد و از سوی دولت مرکزی ملقب به عدل الدوله شد. با تشکیل فرقه دموکرات به آن پیوست و در سال ۱۳۲۴ روستای خوشه مهر را که متعلق به خودش بود به عنوان مرکز عملیات نظامی علیه دولت تبدیل و با جمع آوری دهقانان و مسلح کردن آنها اقدام به حمله به مراکز نظامی و خلع سلاح ژاندارمها و سربازان کرد.



جعفر کاویان - وزیر جنگ

وی به مبارزه علیه مالکان و فئودال‌های منطقه پرداخت و به عنوان فرمانده نظامی منطقه از سوی فرقه و نیز به عنوان وزیر راه، پست و تلگراف انتخاب گردید. وی بعد از سقوط دولت پیشه‌وری توسط جمشیدخان اسفندیاری یکی از مالکان مراغه دستگیر و در مراغه محاکمه و به دار آویخته شد.^۱

۶. جعفر کاویان

وی از کمونیست‌های قدیمی بود. پس از یک‌بار دستگیری به خدمت اداره سیاسی در آمد و از او در شناسایی کمونیست‌ها و اطلاع از روش کار آنان استفاده می‌کردند. وی پیش از به قدرت رسیدن فرقه دموکرات کارگر نانوايي بود. در آستانه ۲۱ آذر ژنرال آتا کیشی اف وزیر سابق امنیت جمهوری آذربایجان در تدارک قیام تبریز برای تقسیم اسلحه میان اعضای فرقه از او بهره‌برداری کرد و به پاداش

۱. مسعود غلامیه، تاریخ مراغه به روایت تصویر، اوحدی، ۱۳۸۵، ص ۳۳۹.

همین خدمت از سوی دولت شوروی به عنوان وزیر جنگ به فرقه تحمیل شد. او مردی بیسواد و فریبکار بود و در محاصره اموال مردم از سردستگان بود و در عرض یک سال ثروت فراوانی اندوخت.^۱



محمد بی‌ریا - وزیر معارف

۷. محمد بی‌ریا

وی پیش از اینکه حزب توده در آذربایجان تشکیل شود جزو کارمندان شهرداری بود. پس از تشکیل حزب توده سمت ریاست اتحادیه رفتگران تبریز را داشت. به دلیل اینکه اشعاری به زبان ترکی می‌سرود در خانه فرهنگ شوروی در تبریز با میرزا ابراهیم اف که سرگرد ارتش سرخ بود آشنا گردید. به دلیل اینکه نتوانست با نمایندگان سابق حزب توده علی امیرخیزی، خلیل ملکی و دکتر حسین جودت کار کند به وسیله میرزا ابراهیم اف نتوانست آنها را از آذربایجان تبعید کند.

هنگام تشکیل حکومت ملی به عنوان وزیر فرهنگ و معارف انتخاب شد و نیز مسئولیت صدر اتحادیه کارگران آذربایجان به او محول گشت.

وی در صبح روز ۲۱ آذر در جلوی باغ گلستان مورد هدف گروه‌های مسلح قرار گرفت، ماشین او سوراخ سوراخ شد و خودش نیز زخمی گردید، اما توانست از مهلکه بگریزد و به همراه میررحیم ولایی به بیمارستان شوروی پناهنده شود و بعد از چند ماه اقامت پنهانی در بیمارستان و کنسولگری شوروی او را به باکو انتقال دادند. اما در شوروی روزهای خوشی در انتظار او نبود. وی پس از گذراندن ۳۰ سال در به دری و تبعید بعد از پیروزی انقلاب

۱. ابراهیم ناصحی، همان، ص ۱۹۶.

اسلامی به ایران بازگشت و پس از مدتی در تبریز درگذشت.^۱

◆ عکس‌العمل تهران، دول خارجی و مجامع بین‌المللی پس از استقرار حکومت

پیشه‌وری

تشکیل کمیسیون سه جانبه: در ۲۹ آذر ۱۳۲۴ کنفرانس سه گانه با شرکت وزرای خارجه انگلیس (بوین)، روسیه (مولوتف) و امریکا (برنس) برگزار شد. در این زمان ابراهیم حکیمی (فراماسون مشهور) نخست‌وزیر ایران بود.



ناصر قشقایی تلگراف تند و اولتیماتوم مانندی به قوام‌السلطنه کرد و در آن صراحتاً برکناری وزرای توده‌ای را از کابینه درخواست نمود و به دولت اولتیماتوم داد که تا ۳ روز می‌بایستی اجنبی‌پرستان صندلی وزارت را ترک کنند در غیر این صورت مردم فارس در تصفیه آنان مقدم خواهند بود.

این کنفرانس در پایان به دولت ایران پیشنهاد داد کمیسیونی سه جانبه از سوی دول روسیه، انگلستان و امریکا در تهران به مدت ۲۵ سال تشکیل شود و به کار نظارت بر اجرای قوانین و اصول مشروطه و استقرار آرامش و رفع نارضایتی‌ها در ایران بپردازد. پیشنهاد مزبور در اصل از آن وزیر خارجه لندن (بوین) بود. تلقی رجال دلسوز کشورمان از آن کمیسیون نابودی استقلال ایران و سلطه استعمار بر این کشور بود. بر این امر، دکتر مصدق در ۱۹ دی علیه پیشنهاد

تشکیل کمیسیون سه جانبه (که به درستی از آن با عنوان کمیسیون قیومیت یاد می‌شد) در مجلس سخنرانی کرد و از حکیمی بابت قبول ضمنی این پیشنهاد انتقاد شد. اکثریت انگلیس‌دوستان

۱. همان، ص ۱۹۷.

مجلس می‌خواستند با انداختن مجلس از اکثریت مانع سخنرانی وی شود که آیت‌الله لنکرانی به کمک وی آمد و با فریاد اعتراض ترفندشان را به هم زد. ۲۶ دی‌ماه حکیمی از شوروی به شورای امنیت شکایت برد. وی همچنین عزم سفر به مسکو و گفتگو با روس‌ها را داشت که مقامات شوروی آن را نپذیرفتند و بحران ناشی از این امر به استعفای وی از نخست‌وزیری منجر شد.^۱



افسران دموکرات آذربایجان در لباس سالدتهای روسی

◆ به قدرت رسیدن قوام

قوام در ۶ بهمن ۱۳۲۴ بعد از یک ماه و نیم از سقوط آذربایجان با آرای بسیار ضعیفی صندلی صدارت را از ابراهیم حکیمی تحویل گرفت و برای بار سوم نخست‌وزیر شد. بنا به دستور حکیمی، تقی زاده رئیس هیأت نمایندگی ایران در شورای امنیت و سفیر ایران در انگلیس چند ساعت قبل از تصدی پست نخست‌وزیری توسط قوام بیانات مفصل و مستدل و محکمی در شورای امنیت ایراد کرد و مداخله اجنبی را در آذربایجان محکوم و افکار جهانیان را متوجه مظلومیت ایران ساخت.

۱. ایام، جام جم، (۹ آذر ۱۳۸۵)، ص ۲.



قوام السلطنه نخست وزیر ایران
در دوران تسلط فرقه دمکرات بر آذربایجان

قوام سیاستمدار کهن سال استخواندار و پخته و قدرتمندی بود و خیلی زود جایگاه خود را احراز کرد و در محیط متشنج آن روز به دولت و مرکزیت شکلی بخشید و خود بر اریکه قدرت نشست و گام‌های استواری در ساختار دولت و تحکیم موقعیت و کسب اعتبار برداشت.

وی در ترکیب کابینه به نزدیکان مصدق میدان بیشتری داد. بیات، داماد و خواهرزاده مصدق را به وزارت دارایی و دکتر متین‌دفتری داماد دیگر مصدق را به سمت وزیر مشاور و مهندس احمد مصدق پسر وی

را به سمت ریاست کل راه‌آهن و مظفر فیروز پسر خواهر وی را به وزارت کار و تبلیغات و رابط سفارت روسیه و نیز طرفداران وی از قبیل دکتر سنجابی، عباس اسکندری، الهیار صالح و دکتر شایگان را به پست‌های دیگر گمارد. این انتصابات اگر مورد تأیید مقامات شوروی نبود لاقلاً موجبات بدبینی و نارضایتی آنان را فراهم نمی‌کرد. قوام پیش از هر اقدامی به برنامه سابق حکیمی در مسافرت به شوروی و مذاکره مستقیم با مقامات آن دولت جامه عمل پوشاند و در ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ عازم مسکو شد.

وی در شوروی مورد تجلیل و احترام مقامات آن دولت به خصوص شخص استالین قرار گرفت. بعد از پانزده روز مذاکرات سیاسی با مولوتف و استالین در یک امر به توافق رسیدند و آن واگذاری نفت شمال، البته با تصویب مجلس پانزدهم به شوروی بود. قوام درباره سایر خواست‌های شوروی‌ها از جمله قبول خودمختاری آذربایجان سخت ایستادگی نشان داد و تا جایی که مکرراً نشست‌ها و مذاکرات با بن‌بست روبه‌رو می‌شد.

بیشترین نگرانی و دلهره قوام از آذربایجان بود. وی معتقد بود که به هر بهایی، ولو واگذاری نفت شمال به روس‌ها، باید از این کار جلوگیری کرد و اولین قدم را در این را تخلیه قشون شوروی از ایران می‌دانست. قوام معتقد بود تا نیروهای شوروی در ایران هستند پیشه‌وری به دلگرمی و مداخله و حمایت علنی شوروی‌ها یکه‌تازی خواهد کرد ولی وقتی نیروی حامی آنان ایران را ترک کنند این عروسک کوکی به خودی خود از حرکت خواهد ایستاد. وی به همین جهت به فشار بیشتر به شوروی از طریق شورای امنیت معتقد نبود و طرفدار حل مسأله از طریق کمیسیون همه‌جانبه بود و

به همین لحاظ به حسین علاء، سفیر ایران در آمریکا، دستور عدم تعقیب شکایت را داد و وقتی علاء از اجرای دستور وی خودداری کرد نامبرده را مورد مذمت قرار داد و بعداً نیز از پست سیاسی در سازمان ملل برکنار ساخت و حتی به خاطر همراهی آمریکا با ایران در مورد این بحران، موافقت ایران را با استخراج نفت در بلوچستان و سایر مناطق خارج از قرارداد با انگلستان در صورت پیشنهاد آمریکا اعلام کرد.

انگلیسی‌ها در اوایل کار موافق نظر قوام در حل مسأله از طریق اجلاس سه‌جانبه بودند ولی آمریکا شدیداً مخالفت و ایستادگی می‌کرد و مدعی بود که اگر دست روس‌ها به هر بهانه‌ای در ایران بند شود این رشته سر دراز خواهد داشت و نیز شوروی را مانع دیگری برای تحقق

روز چهارم آذر ۱۳۲۴ پیشه‌وری به همراه شبستری رئیس مجلس، دکتر جاوید استاندار، بی‌ریا، دولت‌شاهی و تنی چند از رهبران فرقه به منظور جلب حمایت آیت‌الله ثقه‌الاسلامی به خانه ایشان می‌روند. در این جلسه آیت‌الله ثقه‌الاسلامی با انتقاد از وحشت و اضطرابی که در جامعه حاکم است پیشنهاد اعزام هیأتی از طرف فرقه دموکرات به تهران جهت مذاکره و رفع وضعیت نامطلوب فعلی را می‌نمایند.

برنامه‌های بعدی خود می‌دانست و به دولت ایران پیشنهاد می‌کرد که این بحران سیاسی را از طریق شورای امنیت حل نماید. همچنین مدارک مستدل نشان می‌دهد که انگلیس‌ها برای حفظ نفت جنوب برای خود، شدیداً طرفدار واگذاری نفت شمال به روسیه بودند و در حقیقت عملاً به تجزیه ایران به منطقه نفوذ شوروی و انگلستان معتقد بودند.

موری سفیر امریکا در ایران در تاریخ ۱۳۲۴/۱۰/۲۰ به وزارت خارجه امریکا می‌نویسد:

... روش اخیر انگلیس‌ها عقیده مرا تقویت کرده است که آنها سازش ضمنی با روس‌ها به عمل آورده‌اند و دست آنها را در شمال باز گذاشته‌اند در حالی که وضع خود را در جنوب تثبیت می‌نمایند، انگلیس‌ها اصرار می‌ورزند که ایرانیان کمیسیون سه‌جانبه را

بپذیرند و از ارجاع موضوع به

سازمان ملل متحد انصراف ورزند...

قوام در مسکو بود که کلیه نیروهای انگلیس و امریکا طبق عهدنامه سه‌جانبه خاک ایران را تخلیه کردند ولی رادیو مسکو اعلام داشت شوروی قوای خود را در یک قسمت از خاک ایران که تا اندازه‌ای آرام به نظر می‌رسد خارج خواهد کرد. این نواحی عبارت‌اند از: مشهد، سمنان و شاهرود ولی در سایر مناطق باقی خواهند ماند تا اوضاع روشن شود و بلافاصله ترومن، رئیس‌جمهور امریکا، اولتیماتوم معروف خود را که بعد از جنگ بین‌المللی دوم اولین برخورد و عکس‌العمل تند امریکا در برابر شوروی‌ها

درست یک ماه و نیم مانده به سقوط فرقه دموکرات در آذربایجان مرجع بزرگ شیعیان جهان حضرت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به تاریخ سیزدهم آبان ماه ۱۳۲۵ درگذشت. شهر تبریز و استان آذربایجان غرق در ماتم و عزا شد. شهری که نزدیک به یک سال بود حوزه علمیه آن، از ترس پرونده‌سازی علیه طلاب و نبود امنیت جانی تعطیل شده و اساتید آن در سکوت دردآوری به سر می‌بردند، یکپارچه تعطیل گردید.

بود صادر نمود و شوروی را رسماً تهدید کرد که در صورت عدم تخلیه ایران، امریکا نیز قوای خود را مجدداً وارد ایران خواهد کرد.

قوام بعد از مراجعت از مسکو، به وعده خود به استالین وفا کرد و همه مخالفان تجزیه آذربایجان و کمونیسم و حزب توده را یکی پس از دیگری از گود سیاست خارج ساخت و مقدمات را برای ایجاد حسن تفاهم با شوروی و احتمالاً تصویب لایحه نفت به آن دولت فراهم ساخت. وی بنا به تقاضای شخص استالین سید ضیاءالدین طباطبایی را بازداشت کرد.

بعد از توقیف سید ضیاء، به علاء سفیر ایران در واشنگتن دستور داده شد شکایت ایران را از شوروی به مناسبت خودداری از تخلیه ایران که در دی‌ماه ۱۳۲۴ به وسیله دولت حکیمی در شورای امنیت مطرح شده بود پس بگیرد و این ژست سیاسی برای جلب اعتماد بیشتر و رضایت خاطر شوروی‌ها بود. سادچیکف که در ۲۹ اسفند ۱۳۲۴ وارد تهران شده بود از اختیارات وسیعی در ادامه مذاکرات استالین - قوام برخوردار بود و از پیشرفت مذاکرات و سیاست داخلی قوام به حضور در حذف مخالفان راضی به نظر می‌رسد و طبعاً حزب توده و فرقه دموکرات نیز حکومت قوام را تأیید می‌کردند.

در ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ اولین اعلامیه مشترک «قوام - سادچیکف» صادر شد و در آن تعهد شده بود که ارتش شوروی حداکثر تا یک ماه و نیم خاک ایران را تخلیه کند و قرارداد نفت ایران و شوروی تا انقضای مدت هفت ماه برای تصویب مجلس پانزدهم پیشنهاد شود و در مورد آذربایجان چون مسأله داخلی است ترتیب مسالمت آمیزی اتخاذ گردد.

قوام با انتصاب دکتر مرتضی یزدی در مقام وزیر بهداری، ایرج اسکندری به سمت وزیر پیشه و هنر و دکتر فریدون کشاورز در پست وزیر فرهنگ هر گونه بهانه را از دست حزب توده خارج ساخت و سپس پیشه‌وری و دکتر جاوید را به تهران احضار کرد و حکم استانداری آذربایجان را به دست وزیر کشور آذربایجان داد و روانه استان کرد و هشت میلیون ریال نیز برای تکمیل دانشگاه تبریز و آبرسانی در اختیار پیشه‌وری قرار داد. با سیاست قوام حکومت

پیشه‌وری قیافه مضحکی به خود گرفت.^۱

◆ عزیمت پیشه‌وری جهت مذاکره به تهران به دعوت قوام

به دعوت قوام در تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ هیأتی به ریاست پیشه‌وری برای حل مسالمت‌آمیز مسأله آذربایجان و جهت جلوگیری از خونریزی به تهران عزیمت کردند. هیأت فوق‌الذکر مأموریت داشت با نمایندگان حکومت مرکزی وارد مذاکره شود و در صورت حصول موافقت بعد از تصویب مجلس ملی آذربایجان و دولت مرکزی موارد مورد موافقت رسمیت پیدا می‌کرد. پیشه‌وری را در این سفر صادق پادگان، دکتر جهانشاهلو، تقی شاهین،



فریدون ابراهیمی - دادستان فرقه

فریدون ابراهیمی، محمدحسین خان سیف قاضی (برادر قاضی محمد) و دیلمقانی عضو مجلس آذربایجان همراهی می‌کردند و از سوی دولت آیت‌الله لنکرانی، مستشارالدوله، فرمانفرمائیان و ایپکچیان جهت مذاکره تعیین شدند.

جلسه اول مذاکرات درباره مسائل عمومی پایان رفت. در دومین جلسه نمایندگان

آذربایجان قسمتی از نظریات خود را تحت ۳۳ ماده به دولت مرکزی پیشنهاد نمودند که مهم‌ترین موارد پیشنهادی عبارت بودند از:

تقاضای حکومت خودمختار برای استان‌های ۳ و ۴ سابق که شامل آذربایجان، کردستان و ولایات ضمیمه بود. انتخاب کلیه روسای ادارات لشگری و کشوری توسط هیأت ملی و عزل و نصب و تغییر آنها با اطلاع حکومت مرکزی، ابقای فداییان و قشون محلی به منظور انجام

۱. رحیم زهتاب فرد، همان، ص ۲۳۶ - ۲۴۱.

وظایف و حفظ سرحدات و دفاع از دموکراسی، به رسمیت شناختن توضیحات و درجات کشوری و لشگری که از طرف حکومت ملی به افراد اعطا شده است، رسمی شدن زبان ترکی در مدارس و مکاتبات بین ادارات در آذربایجان و نیز زبان کردی در کردستان آذربایجان (مکاتبات به زبان فارسی با دولت مرکزی اشکالی نخواهد داشت).



قاضی محمد رئیس حزب کومله که پشت سر وی سیف قاضی، وزیر جنگ نیز دیده می‌شود.

اعتبار قوانین مصوب در مجلس ملی آذربایجان، تقسیم اراضی خالصه و املاک مالکان و فئودال‌ها بین روستاییان و کشاورزان، ممنوعیت ورود اجناس لوکس و تجملی یا اجناسی که در داخل آذربایجان به عمل می‌آید به آذربایجان، ترتیب وصول مالیات‌ها و عوارض طبق مصوبات هیأت ملی، غیر قابل رد بودن اعتبارنامه وکلای منتخب مردم آذربایجان که اعتبارنامه آنها به تصویب مجلس ملی آذربایجان رسیده است توسط مجلس شورای ملی، ارسال تنها ۲۵ درصد از کل مالیات جمع‌آوری شده از آذربایجان و کردستان به مرکز، آزادی عمل در اصلاحات امور معارف، بهداشت، کشاورزی، نشر کلیه مطبوعات با اجازه و تصویب هیأت‌های ملی آذربایجان و کردستان و اداره تمام سینماها و تئاتر و نمایش‌ها و رادیو به زبان

آذربایجانی و کردی، تعهد دولت مرکزی مبنی بر تخلیه نواحی تکاب، سقز، بیجار و مرودشت و سایر مناطقی که جزو استان‌های ۳ و ۴ بودند و فعلا تحت سلطه نیروهای دولت مرکزی یا دشمنان حکومت ملی است و تحویل آن به حکومت ملی آذربایجان و تعهد لغو ژاندارمری توسط دولت مرکزی.^۱

درباره موارد پیشنهادی بالا هیأت نمایندگی آذربایجان در تهران، دوبار با قوام در کاخ نخست‌وزیری و دوبار با سادچیکف در سفارت شوروی و چند بار با مظفر فیروز در خانه ایشان در بهجت‌آباد دیدار کردند. سادچیکف آشکارا گفت:

ارتش ما اکنون در فکر تخلیه آذربایجان است. بی‌گمان وضع سیاسی پس از این بسیار دشوار خواهد بود. از این رو باید در مذاکرات با قوام و دولت حداقل مصونیتی برای خود دست و پا کنید، ما تا اینجا به شما یاری کرده‌ایم و قوام را برای گفتگو با شما آماده نموده‌ایم. شما باید نرمش بسیار از خود نشان دهید.

ولی پیشه‌وری همچنان در مورد پیشنهادهای سادچیکف لجاجت نشان می‌داد. در نهایت روز بیست و سوم اردیبهشت پیشه‌وری و همراهانش بدون دستاورد قطعی و مورد نظر با یک هواپیمای روسی به تبریز بازگشتند.^۲

پیشه‌وری بعد از ورود به تبریز، در تئاتر ملی، نطق منطقی ایراد کرد و در این نطق ۴۵ دقیقه‌ای که از رادیو تبریز پخش شد گزارش کاملی از مسافرت هیأت نمایندگی به تهران ارائه داد. روز ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۵ تخلیه کامل ایران از نیروهای شوروی پایان یافت. به همین منظور روز جمعه ۲۷ اردیبهشت از طرف قوام‌السلطنه، هیأتی مرکب از سرهنگ علاء، ابوالحسن وزیری، عمیدی نوری، مدیر روزنامه داد، و احمد ملکی، مدیر روزنامه ستاره، با هواپیما عازم آذربایجان شدند تا مراحل تخلیه توسط ارتش سرخ، از نقاط مختلف آذربایجان به دولت گزارش دهند. هیأت مزبور پس از بررسی و تحقیقات لازم، گزارش نهایی خود را از تخلیه کلیه

۱. عمیدی نوری، فرقه دموکرات، از انتشارات روزنامه داد، ص ۸۲ - ۸۴.

۲. ابراهیم ناصحی، همان، ص ۲۳۱.

نقاط آذربایجان توسط ارتش سرخ به دولت ارائه کرد و قوام بر اساس گزارش مزبور در روز ۴ خرداد، اعلامیه‌ای در خصوص تخلیه ایران انتشار داد.

◆ عزیمت هیأت سیاسی و نظامی به آذربایجان به دستور قوام

قوام پس از خروج ارتش سرخ از ایران در صبح روز سه شنبه ۲۱ خرداد، یک هیأت سیاسی و نظامی برای پیگیری ادامه مذاکراتی که در تهران ناتمام مانده بود به آذربایجان فرستاد. ریاست هیأت سیاسی با مظفر فیروز و ریاست هیأت نظامی با سرتیپ عبدالله هدایت، معاون وزارت جنگ بود.



قاضی محمد در کنار یاران خود

از سوی فرقه دموکرات آذربایجان پیشه‌وری، سلام‌الله جاوید، دکتر جهانشاهلو و قاضی محمد، نماینده فرقه دموکرات کردستان، در مذاکره شرکت داشتند. روز اول و دوم مذاکرات به نتیجه نرسید اما در روز سوم پس از مذاکرات مفصل، موافقت نامه‌ای در تاریخ ۲۳ خرداد به امضای طرفین رسید. پس از نطق کوتاه پیشه‌وری از رادیو تبریز که به زبان ترکی بود مظفر

فیروز همان شب، نطقی به زبان فارسی ایراد کرد. به دنبال آن پیشه‌وری طبق توافقنامه‌ای، از نخست‌وزیری استعفا نمود و تنها به ریاست فرقه دموکرات بسنده کرد. مجلس ملی از پیشه‌وری خواست تا تصویب کامل موافقت‌نامه سرکار بماند و قرار شد همچنان به کار خود ادامه دهند. این توافقنامه رضایت خاطر دموکرات‌ها را فراهم کرد و پیشه‌وری توافق حاصله را با تهران سرآغاز یک انقلاب تاریخی و جریان دگرگونی آذربایجان و کل ایران دانست. در تهران نیز توافقنامه با استقبال مواجه شد. از نظر سندی دموکرات‌ها دستاورد قابل توجهی کسب کردند اگر چه مطابق این توافقنامه مجلس محلی آذربایجان منحل می‌شد و پیشه‌وری می‌بایست عنوان نخست‌وزیری را ترک کند اما «انجمن ایالتی» جدید آذربایجان از اختیارات خودمختارانه گسترده‌ای برخوردار می‌شد. علاوه بر این، با اختصاص ۷۵ درصد از عواید آذربایجان به خود استان که تحت نظارت انجمن قرار می‌گرفت عملاً استقلال اقتصادی نیز تأمین به نظر می‌آمد. در مورد کاربرد زبان آذربایجانی نیز قرار می‌شد به هر دو زبان فارسی و ترکی در مدارس متوسطه و عالی‌ترتیب شود.

دولت قوام و شاه از بین ۳ نفر پیشنهادی انجمن ایالتی برای استانداری، یعنی دکتر سلام‌الله جاوید، صادق پادگان و میر رحیم ولایی، دکتر جاوید را به عنوان استاندار آذربایجان پذیرفتند و ابلاغ آن از طرف وزارت کشور صادر و به امضای شاه رسید و همچنین طبق تصویب‌نامه هیأت وزیران، استان‌های آذربایجان غربی و شرقی در هم ادغام شد و یک استان به نام استان آذربایجان تأسیس گردید. هیأت اعزامی دولت مرکزی به تهران بازگشت اما در این بین حل فصل مسائل نظامی از قبیل به رسمیت شناختن افسران ارتش آذربایجان، پرداخت بودجه کامل لشکر آذربایجان که بالغ بر یکصد و پنجاه میلیون ریال در سال بود و نیز عدم انتقال افسران ارتش آذربایجان به جای دیگر همچنان باقی بود.

لذا برای حل مسائل یاد شده هیأتی از تبریز به ریاست میرزا علی شبستری، رئیس انجمن ایالتی، دکتر جاوید استاندار، صادق پادگان، ژنرال پناهیان رئیس ستاد قوای آذربایجان و سرهنگ مرتضوی در تاریخ ۳۰ مردادماه ۱۳۲۵ به تهران حرکت نمودند. این هیأت بعد از دو

ماه ائتلاف وقت به تبریز بازگشت.

فرقه برای شنیدن گزارش آنان جلسه‌ای با حضور بیش از ۷۰۰ نفر تشکیل داد. ضمن گزارش عملکرد هیأت معلوم گردید که یکی از مواد موافقت نامه با دولت مرکزی به شرح زیر است:

چون ولایت خمسه از نظر تقسیمات کشوری جزو آذربایجان نیست زنجان باید از طرف فرقه تخلیه و به دولت مرکزی تحویل گردد در مقابل ده روز پس از تحویل آن بخش‌های تکاب و سردشت به آذربایجان داده شود. با اینکه این موافقت نامه با مخالفت شدید فداییان زنجان مواجه شد اما انجمن ایالتی در تاریخ ۱۳۲۵/۸/۲۰ تخلیه خمسه از قشون ملی و تحویل آن را به دولت مرکزی تصویب کرد و سلام‌الله جاوید به همراه صدق‌قاضی به زنجان رفتند تا چگونگی را به اهالی آنجا خبر دهند.

فرقه در تاریخ مقرر زنجان را تخلیه کرد و زنجان به تصرف نیروهای سلطان محمود ذوالفقاری و سپس نیروهای دولتی درآمد.^۱



۱. سلطان محمود ذوالفقاری، ۲. مصطفی ذوالفقاری، ۳. محمد ذوالفقاری و آیت‌الله طالقانی که به «طلبه سیاسی» معروف بود دیده می‌شوند.

۱. علی مرادی مراغه‌ای، همان، ص ۴۱۲ - ۴۱۹.

◆ نقش مرجعیت و روحانیان در شکست توطئه تجزیه‌طلبان

نقش آیت‌الله لنکرانی در طرح غائله قشقایی و نهضت جنوب و ایجاد شکاف بین پیشه‌وری و سفیر روسیه در ایران: مرحوم آیت‌الله لنکرانی از وکلای فعال مجلس چهاردهم بود که در روی کار آمدن قوام در بهمن ۱۳۲۴ نقش داشت و در مذاکرات پیشه‌وری (صدر فرقه دموکرات) در بهار ۱۳۲۵ با دولت قوام به عنوان نماینده دولت حاضر بود.

وی در دوران اشغال آذربایجان برای رفع این غائله تلاش‌ها کرد و در این راه می‌کوشید از تضاد امریکا و انگلیس با روسیه بهره جوید. در همین راستا در مرداد ۱۳۲۵ از سوی قوام به کرمان تبعید شد و پس از بازگشت از تبعید هم در برکناری قوام از قدرت (۱۳۲۶) ایفای نقش کرد.

آیت‌الله لنکرانی نسبت به قوام به ویژه دستیارش (مظفر فیروز) دیدگاهی شدیداً منفی داشت. وی قوام را سیاستمداری مستبد، کژاندیش و دارای اشتباهات فاحش و مکرر در سیاست داخلی و خارجی می‌شمرد و مظفر فیروز را عامل انگلیسی‌ها در دستگاه روس‌ها قلمداد می‌کرد.

وی معتقد بود که غائله آذربایجان به تدریج ابعاد وسیع‌تری یافته و تا مرز تجدید قرارداد ۱۹۰۷ و تجزیه ایران به مناطق نفوذ روس و انگلیس پیش رفته بود. طراح اصلی این سناریو نیز انگلیسی‌ها بودند.

در چنین شرایط دشواری آیت‌الله لنکرانی از یک‌سو به ایجاد شکاف بین پیشه‌وری و سفیر روسیه در ایران پرداخت و از سوی دیگر طرح نقشه جنوب و غائله قشقایی را با حمایت محرمانه شاه و اجرای «ناصر قشقایی» را پی افکند. وی می‌گفت برای خنثی ساختن نقشه شوم استعمار، مدت‌ها اندیشیده و نهایتاً بدینجا رسیدم که موافقت لندن با سلطه شوروی بر آذربایجان طبیعتاً مشروط به اجرای جزء دیگر آن نقشه شیطانی یعنی تحقق سلطه خودشان بر جنوب است و قاعدتاً با ناکام ماندن این جزء از نقشه لندن نه تنها دیگر حامی رقیب در غائله

آذربایجان نخواهد بود بلکه تمامی تلاشش را نیز برای جلوگیری از پیروزی نقشه رقیب به کار می‌بندد و در این صورت پیداست که با عدم همراهی بلکه مخالفت انگلیس با تجزیه آذربایجان بسیار ساده‌تر و سریع‌تر می‌توان به حل غائله آذربایجان نزدیک شد. پیرو این اندیشه آیت‌الله لنکرانی در ۲۱ مرداد ۱۳۲۵ با شاه دیدار کرد و ضمن تذکر خطر بزرگی که اینک متوجه استقلال و تمامیت ارضی کشور بود بر لزوم اقدام همگانی به ستیز با خطر تجزیه تأکید کرد و افزود

بایستی در فارس نیز مشابه غائله آذربایجان قیامی بر پا گردد که به جنوب و غرب ایران سرایت کند، قیامی که ظاهراً صورت تمرد از حکومت مرکزی داشته و خواهان خودمختاری مناطق جنوب باشد ولی باطناً زمامش در دست عناصری وطن‌خواه و دارای سوابق ضد انگلیسی بوده و در پشت پرده دارای حسن ارتباط با مرکز باشد و ارتش مرکزی نیز در عین درگیری ظاهری با سران قیام از سرکوبی جدی آنها خودداری کند و با عقب‌نشینی تاکتیکی به دفع‌الوقت بگذارند تا رهبران قیام جنوب و غرب کشور را بگیرند و در نتیجه انگلیسی‌ها که منطقه نفوذشان را در سیطره مخالفان می‌بینند از تحقق نقشه پلید خود در ایران مأیوس شده و با نابود دیدن سهمشان در این سناریو درصدد اخلال در تحقق مقاصد حریف روسی (الحاق آذربایجان به قفقاز) برآیند و به ما در به هم زدن نقشه مسکو کمک کنند.

وی ناصر قشقایی را جهت راه‌اندازی قیام پیشنهاد می‌کند با قیام ناصر قشقایی و بروز غائله جنوب در همان روزهای اول کازرون و بوشهر سقوط کرد و به فاصله چند روز بعد فارس به

خیلی‌ها معتقد بودند که آذربایجان در واقع در روز رحلت حضرت آیت‌الله اصفهانی از زیر سلطه پیشه‌وری آزاد شد نه در ۲۱ آذر ۱۳۲۵، زیرا در این روز مردم آذربایجان فرصت مناسبی یافتند تا به اربابان پیشه‌وری و به جهانیان برسانند که هرگز از دین و وطن خود دست بر نمی‌دارند.

تصرف خان قشقایی درآمد. اقدامات شتاب‌زده و تند مظفر فیروز نماینده اعزامی قوام برای حل غائله جنوب و برکناری فرماندهان نظامی و کشوری منطقه نظیر سرهنگ حجازی فرمانده لشکر خوزستان و... باعث گردید که ناصر قشقایی تلگراف تند و اولتیماتوم مانندی به قوام السلطنه کرد و در آن صراحتاً برکناری وزرای توده‌ای را از کابینه درخواست نمود و به دولت اولتیماتوم داد که تا ۳ روز می‌بایستی اجنبی‌پرستان صندلی وزارت را ترک کنند در غیر این صورت مردم فارس در تصفیه آنان مقدم خواهند بود.

با وقوع این رویدادها و حوادث متعاقب آن پیش‌بینی آیت‌الله لنکرانی به حقیقت پیوست و ناامیدی لندن از دستیابی به سهمش در نقشه تجزیه ایران سبب شد که مجدانه درصدد محو سهم متقابل حریف برآید و به ایران در نجات آذربایجان از چنگال روسیه کمک کند. ناصر قشقایی نیز طبق برنامه پیش‌بینی شده قبلی پایان قیام را اعلام و از دولت چیزی مطالبه نکرد.^۱

نقش آیت‌الله ثقه‌الاسلامی نوه شهید ثقه‌الاسلام در تضعیف نقش رهبران فرقه دموکرات در اوج فشار و خفقان در آذربایجان: روز چهارم آذر ۱۳۲۴ پیشه‌وری به همراه شبستری رئیس مجلس، دکتر جاوید استاندار، بی‌ریا، دولت‌شاهی و تنی چند از رهبران فرقه به منظور جلب حمایت آیت‌الله ثقه‌الاسلامی به خانه ایشان می‌روند. در این جلسه آیت‌الله ثقه‌الاسلامی با انتقاد از وحشت و اضطرابی که در جامعه حاکم است پیشنهاد اعزام هیأتی از طرف فرقه دموکرات به تهران جهت مذاکره و رفع وضعیت نامطلوب فعلی را می‌نمایند و خطاب به حاضران عنوان می‌کنند:

هم اکنون شهر و اطراف آذربایجان غرق در ناامنی است. دست‌دهاتی تفنگ قرار گرفته و من نمی‌دانم این تفنگ‌ها را اجنبی در اختیار اینها گذاشته یا ملائکه؟ یا از غیب به دستشان رسیده؟ این کشت و کشتار مملکت را به فنا خواهد کشاند. بی‌ریا که دید دود از

کنده بلند می‌شود و ثقه‌الاسلامی نواده اصیل شهید ثقه‌الاسلامی مرعوب و جا خالی نکرده است، با لحن تند و تلخ و دور از نزاکت با مقام منبع روحانیت سخن گفت. جلسه بدون اخذ نتیجه و با عصبانیت فرقه‌چی‌ها پایان یافت. این اجلاس به فرقه دموکرات را کاملاً از همگامی روحانیت و به تبع آن توده مردم از آنها مأیوس ساخت. به خصوص آنجا که آیت‌الله ثقه‌الاسلامی هم به توزیع اسلحه به وسیله دولت شمالی بین دهاقین اشاره کرد و هم صریح و روشن و قاطع به موضوع زبان اشاره نمود و در جواب دکتر جاوید که از ایشان درخواست مطالعه مرامنامه فرقه را نمود عنوان کردند:

من رک و پوست کنده می‌گویم مرامنامه شما را چون به زبان ترکی تنظیم شده نمی‌توانم بخوانم.

بدیهی است که منظور آیت‌الله از اشاره به این مورد کم ارج دانستن زبان مادری خود نبوده است بلکه هدف وی جلوگیری از سوء استفاده اعضای فرقه دموکرات از زبان ترکی به عنوان عاملی جهت ایجاد تفرقه و تجزیه آذربایجان از ایران بود.^۱

تأثیر رحلت آیت‌الله العظمی اصفهانی مرجع تقلید شیعیان در تسریع روند فروپاشی فرقه دموکرات آذربایجان: درست یک ماه و نیم مانده به سقوط فرقه دموکرات در آذربایجان مرجع بزرگ شیعیان جهان حضرت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به تاریخ سیزدهم آبان ماه ۱۳۲۵ درگذشت. شهر تبریز و استان آذربایجان غرق در ماتم و عزا شد. شهری که نزدیک به یک سال بود حوزه علمیه آن، از ترس پرونده‌سازی علیه طلاب و نبود امنیت جانی تعطیل شده و اساتید آن در سکوت دردآوری به سر می‌بردند، یکپارچه تعطیل گردید و شهر سیاه‌پوش شد. روحانیان و وعاظ از فرصت استفاده نموده و در منابر و مجالس تا چهلیم رحلت آن حضرت یعنی تا روز سقوط حکومت پیشه‌وری به مخالفین دین تاختند. روضه‌خوانی‌ها شروع شد و دستجات حسینی به راه افتاد.

۱. رحیم زهتاب فرد، ایام، جام جم، ۹ آذر ۱۳۸۵، ص ۳ - ۵.

در یکی از مجالس واعظی بدون اعتنا به حضور پیشه‌وری و فداییان همراهش سخن را بدین جا کشاند که:

آنچه که ما را سربلند نگاه می‌دارد و آنچه ما به طنابش آویزانیم و آنچه ما به درگاهش پناهنده‌ایم و آنچه ما همه خواست‌های خود را از او می‌طلبیم اسلام است نه ایدئولوژی رایج روز، شما بدانید و دنیا باید بداند کارگر ما، زارع ما، زحمتکش ما، مردم مرفه و ستمدیده ما، همگی به اسلام متکی هستند و نه به وعده‌های پوچ و دهن پرکن فلان فیلسوف آلمانی‌الاصل انگلیسی پرور و روسی‌پسند.

خیلی‌ها معتقد بودند که آذربایجان در واقع در روز رحلت حضرت آیت‌الله اصفهانی از زیر سلطه پیشه‌وری آزاد شد نه در ۲۱ آذر ۱۳۲۵، زیرا در این روز مردم آذربایجان فرصت مناسبی یافتند تا به اربابان پیشه‌وری و به جهانیان برسانند که هرگز از دین و وطن خود دست بر نمی‌دارند.^۱

◆ پایان خدمت پیشه‌وری و پاداش آن

در اواخر نوامبر قوام اعلام داشت که وی مصمم به اعزام دسته‌ای سرباز مسلح به آذربایجان برای نظارت بر جریان انتخابات مجلس پانزدهم می‌باشد. وی چندین نفر از رهبران حزب توده را در تهران بازداشت کرد و سپس زنجان را طبق توافقنامه با فرقه دموکرات بدون مقاومت مجدداً اشغال نمود. در آن وقت رادیو تبریز و مطبوعات حزب توده قوام را مورد حمله شدید قرار داده بودند. سفیر شوروی اعلام کرد که شوروی به هیچ وجه نمی‌تواند اغتشاشاتی را که در اثر اعزام قوای ایرانی به آذربایجان احتمال دارد در سرحدات شوروی ایجاد گردد نادیده بگیرد. قوام نیز شورای امنیت سازمان ملل متحد را از جریان مطلع ساخته و خاطرنشان ساخت که احتمال دارد تهدیدات شوروی صلح بین‌المللی را به مخاطره بیندازد.

۱. رحیم زهتاب فرد، *خاطرات در خاطرات*، همان، ص ۱۹۶ - ۱۹۸.

قبل از اینکه قوام این اخطاریه را به شورای امنیت تسلیم کند از پشتیبانی امریکا اطلاع حاصل کرده بود. در ۲۷ نوامبر جورج آلن، سفیر امریکا، اعلام کرد:

حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران همواره مورد توجه سیاست دولت امریکا بوده و همیشه از آنها پشتیبانی کرده است... و قصد دولت ایران دائر بر اعزاز نیروهای تأمینی به کلیه نقاط ایران من جمله نقاطی که تحت کنترل آنها نبوده به منظور نظارت بر جریان انتخابات به عقیده من تصمیم کاملاً طبیعی و شایسته است. ارتش ایران در ۱۶/۹/۱۳۲۵ پیشروی خود را از زنجان به سوی میانه آغاز کرد. ژنرال پناهیان، رئیس ستاد فرقه، فکر می‌کرد که ارتش از راه تکاب و میاندوآب به مراغه و سپس تبریز هجوم خواهد برد به همین علت نیروها را در مراغه، مهاباد، میاندوآب و تکاب تمرکز داد. روز ۱۸ آذر دو ستون غربی و شرقی شروع به پیشروی نمودند یکی به فرماندهی سرتیپ هاشمی از محور میانه - تبریز و دیگری به فرماندهی سرتیپ ضرابی از محور میانه، مراغه، تبریز.



در ۱۲ دسامبر هنوز اثری از ارتش دیده نشده بود. جمعیت انبوه مردم که کم‌کم صبح آزادی را نزدیک می‌دیدند در شهر گشت می‌زدند و مغازه‌های هواداران کمونیست را در هم می‌شکستند. تیراندازی‌های بدون هدف در شهر ادامه داشت.

ارتش حمله اصلی خود را متوجه جنوب تنگه قافلانکوه نزدیک میانه نمود و روز دهم دسامبر بعد از نیمه‌شب ارتش تنگه مزبور را که نیروهای فرقه از آن به شدت دفاع می‌کردند مورد حمله قرار داد و به تصرف درآورد و بالاخره در بعد از ظهر دوازدهم دسامبر برابر با ۲۰ آذر ۱۳۲۵ ارتش وارد میانه شد. ضمن این احوال وقایع دیگری نیز در تبریز به وقوع پیوسته بود. این موضوع کاملاً آشکار

بود که شوروی‌ها به این نتیجه رسیده بودند که در یک چنین موقعیتی دخالت نیروهای نظامی

برای نگهداری آذربایجان ارزشی نخواهد داشت و حتی به رهبران فرقه اعلام کردند که جز در موارد معنوی و دیپلماتیک هیچ‌گونه پشتیبانی از آنها به عمل نخواهد آمد.

مواضع شوروی دارای پیامدها و واکنش‌های متفاوتی از سوی رهبران فرقه بود. دکتر جاوید، استاندار آذربایجان و علی شبستری، رئیس مجلس ملی، با اعلام وفاداری به دولت مرکزی بدون هیچ‌گونه مقاومتی تسلیم شدند. غلام یحیی دانشجویان رهبر نظامی فرقه و محمد بی‌ریا که در پی جلسه اضطراری رهبران فرقه با توصیه شوروی به سمت صدر فرقه به جای پیشه‌وری انتخاب شده بود خواهان مبارزه تا آخرین لحظه شده بود. پیشه‌وری حد متوسط را گرفته بود به عبارت دیگر هم مایل به ادامه جنگ بود و هم از عاقبت کار واهمه داشت.

یازدهم دسامبر برابر با ۱۹ آذر روزی بحرانی بود. روزنامه‌های رسمی صبح اعلامیه‌ای را که به امضای پیشه‌وری و بی‌ریا رسیده بود انتشار دادند و بدین وسیله از مردم خواستند که تا آخرین نفس بجنگند. برقراری حکومت نظامی نیز اعلام شده بود ولی هیچ‌گونه اقدامی برای اجرای آن صورت نگرفت. نزدیک عصر

تعداد بی‌شماری از رهبران شورشیان و افسران جزء آنها به داخل خاک شوروی فرار کردند. پیشه‌وری نیز همراه ده کامیون اموال مسروقه به شوروی رفت.

رادیو تبریز به نام بی‌ریا اطلاعیه‌ای پخش نمود و به اهالی خاطرنشان ساخت که از ورود سربازانی که از تهران اعزام شده‌اند جلوگیری به عمل نیاورند بلکه با نهایت آرامی و به طرز شایسته‌ای تسلیم گردند. در ۱۲ دسامبر هنوز اثری از ارتش دیده نشده بود. جمعیت انبوه مردم که کم‌کم صبح آزادی را نزدیک می‌دیدند در شهر گشت می‌زدند و مغازه‌های هواداران کمونیست را در هم می‌شکستند. تیراندازی‌های بدون هدف در شهر ادامه داشت. کنسولگری شوروی کاملاً تحت مراقبت بود ولی کاملاً تعطیل و اثری از حیات در آن دیده نمی‌شد. شبستری و دکتر جاوید نگران از بروز هرج و مرج شدید و قتل و غارت منتظر ورود سربازان

امروزه سران غرب‌گرای جمهوری آذربایجان و نیروهای پان‌ترکیست منطقه بر آنند تا فرقه را در بعدی ناسیونالیستی و با پیرایش از زنگارهای کمونیستی تاریخ آن احیا کنند. معرفی فردی چون سید جعفر پیشه‌وری به عنوان شخصیتی ملی‌گرا در ردیف مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) و محمدمین رسول‌زاده (رهبر حکومت غرب‌گرای مساوات که نخستین بار نام آذربایجان را بر بخش ترک‌نشین قفقاز اطلاق کرد) و ایجاد مثلث آتاتورک، رسول‌زاده و پیشه‌وری هدف فعلی پان‌ترکیست‌هایی است که توسط قدرت‌های توسعه‌طلب غربی و دشمنان استقلال و تمامیت ارضی کشورمان تغذیه می‌شوند.

دولتی بودند. اداره مرکزی فرقه دموکرات تعطیل شده بود و جز چند نگهبان مایوس چیز دیگری در آن دیده نمی‌شد.

روز جمعه ۱۳ دسامبر اوضاع به همان نحو خاتمه یافت. فقط دسته کوچکی از شورشیان به ارک تبریز پناه برده و به طرف هر کسی که در دید آنها قرار می‌گرفت تیراندازی می‌کردند.

ساعت ۵ بعد از ظهر ۱۳ دسامبر برابر با ۲۱ آذر ۱۳۲۵ دسته کوچکی از سربازان دولتی تحت فرماندهی سرتیپ هاشمی وارد تبریز شدند. دو روز بعد دسته دیگری از سربازان دولتی عهده‌دار شکست شورشیان کرد نواحی جنوب گردید و مهاباد را تسخیر کردند. ولی در مدت پنج روز پرده آهنین شوروی واقع در سرحدات ایران باز شد و تعداد بی‌شماری از رهبران شورشیان و افسران جزء آنها به داخل خاک شوروی فرار کردند. پیشه‌وری نیز همراه ده کامیون اموال مسروقه به شوروی رفت.

وی طی یکی دو سال بعد، از رادیو باکو چندین بار اعلام داشت که به زودی به خاک ایران برخواهد گشت. وی در یک سانحه مشکوک تصادف اتومبیل در راه کیروف‌آباد کشته شد.

تقریباً تعداد ۵۰۰ نفر از دموکرات‌ها در دوران فترت یعنی قبل از ورود سربازان دولتی به دست اهالی تبریز کشته شدند صدها نفر نیز دستگیر و محاکمه شده و تعدادی نیز اعدام شدند. ولی در شوروی نیز برای فراریان بی‌شمار از ایران، روزهای خوشی در انتظار نبود بلکه بسیاری از آنها مواجه با دربه‌داری، تحقیر، تبعید و زندان گردیدند. بدین‌ترتیب بعد از یک سال حکومت ملی آذربایجان از هم فروپاشید.^۱

◆ وضعیت فرقه بعد از وقایع ۱۳۲۵ و مرگ پیشه‌وری

بعد از مرگ پیشه‌وری، در باکو مرکز جمهوری آذربایجان گروهی ۵۰ - ۶۰ نفره ساکن بودند که سال‌ها در مسند رهبری فرقه دموکرات آذربایجان ایران، اهرم‌های کلیدی پرمفعتی را در قالب و جمعیت پناهندگان سیاسی ایران مقیم شوروی قبضه کرده بودند و یک مافیای قدرتمند سیاسی و اقتصادی محسوب می‌شدند. در رأس این گروه غلام یحیی دانشیان قرار داشت که با مرگ وی در سال ۱۳۶۴ مقام و قدرت او به امیرعلی لاهرودی انتقال یافت. این فرقه به علت پیوندهای تنگاتنگ با نهادهای حزبی و دولتی جمهوری آذربایجان از طریق دست‌اندازی بر اهرم‌های حکومتی به یک نهاد منتفذ سیاسی و مالی تبدیل شد و امروزه نیز جزئی از مافیای باکو محسوب می‌شود. استقلال جمهوری آذربایجان و سپس انتقال قدرت به دولت غرب‌گرا و ناسیونالیست «جبهه خلق» به رهبری ابوالفضل علی‌اوف (ایلچی بیگ) نه تنها پایه‌های نهادین این قدرت محلی را مضمحل نساخت بلکه شرایط و امکانات جدیدی را برای رهبری فرقه دموکرات فراهم آورد که قبلاً از آن بی‌بهره بود. دولت جبهه خلق که تحت نفوذ پان‌ترکیست‌ها قرار دارد و پیوندهای آن با آنکارا و ایالات متحده آمریکا و برخی قدرتهای اروپایی ظاهراً نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست منطقه‌ای آن ایفا می‌کند، سیاست جدیدی را در قبال فرقه در پیش گرفته است.



۱. (نگارنده) ۲. سرهنگ وفا، ۳. تیمسار هاشمی

در اولین اقدام ابوالفضل ایلیچی بیگ کوشید تا مسأله فرقه دموکرات آذربایجان را از بعد پان‌ترکیستی آن احیا کند. از این رو در زمستان ۱۳۷۱ با گردانندگان فرقه ملاقات کرد. پخش برنامه‌های تلویزیونی و برخی تحرکات مذبوحانه این احتمال را به جد مطرح می‌سازد که امروزه سران غرب‌گرای جمهوری آذربایجان و نیروهای پان‌ترکیست منطقه بر آنند تا فرقه را در بعدی ناسیونالیستی و با پیرایش از زنگارهای کمونیستی تاریخ آن احیا کنند. معرفی فردی چون سید جعفر پیشه‌وری به عنوان شخصیتی ملی‌گرا در ردیف مصطفی کمال

پاشا (آتاتورک) و محمدامین رسول‌زاده (رهبر حکومت غرب‌گرای مساوات که نخستین بار نام آذربایجان را بر بخش ترک‌نشین قفقاز اطلاق کرد) و ایجاد مثلث آتاتورک، رسول‌زاده و پیشه‌وری هدف فعلی پان‌ترکیست‌هایی است که توسط قدرت‌های توسعه‌طلب غربی و دشمنان استقلال و تمامیت ارضی کشورمان تغذیه می‌شوند.^۱

تاریخ ایران نشان داده است که مملکت امام زمان (عج) را همواره دست غیبی حمایت می‌کند و همان دست ضامن بقا و استقلال آن است و در این مسیر توطئه‌های قوم‌گرایانه و اقدامات مذبوحانه هرگز راه به جایی نخواهد برد و ملت بزرگ و مسلمان ایران با الهام از رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و تحت رهبری مقام عظمای ولایت صرف نظر از هر نژاد و مذهبی

۱. ایرج اسکندری، همان، ص ۴۱، ۴۲.

همواره در اعتلای نام ایران اسلامی در سراسر جهان خواهد کوشید و تمام توطئه‌های بیگانگان را نقش بر آب خواهد کرد.